

رسوایی در سوئیس

اسنادی از دربار شاهنشاهی درباره قاجاق مواد مخدر

امیر هوشنگ دولو قاجار

حسین کوچکیان فرد

در اواخر ۱۳۵۰ شاه، طبق معمول هر سال، برای اسکی و استراحت به سن موریتس^۱ سوئیس عزیمت کرد. ولی آنجا ماجرای اتفاق افتاد که دربار و شاه، ناخواسته، چندین ماه درگیر آن شدند.

پلیس سوئیس یکی از ایرانیان تاجر مقیم آن کشور را که نامش حسن قریشی بوده به جرم پنهان کردن ۳۵ گرم تریاک دستگیر می‌کند. با بازپرسی اولیه، پای افراد سرشناس دیگری نیز به میان می‌آید، افرادی چون امیر هوشنگ دولو پیشخدمت مخصوص و یار نزدیک شاه و خسرو قشقایی که از وی به‌عنوان یکی از مخالفان شاه در خارج از کشور یاد می‌شد. قریشی اعتراف می‌کند در جریان یک میهانی ناهار که عده‌ای از افراد دیگر از قبیل دکتر دیبا، انصاری، ستوده و ... در آن حضور داشتند، وی مقداری تریاک از دولو دریافت کرده که برای دوستش خسرو قشقایی به آلمان بفرستد. واسطه این امر خانم والون منشی قریشی است که به ادعای خودش از محتویات بسته اطلاعی نداشته است. ولی باتوجه به پنهانکاری قریشی، خانم والون به بسته مشکوک می‌شود و پی می‌برد که محتوای آن مواد مخدر است. بدین ترتیب با کشف این مواد به دست پلیس سوئیس،

۱. یکی از مکانهای مشهور اسکی در کشور سوئیس است. سن موریتس در حد فاصل چهار کوهستان سر به فلک کشیده در جنوب شرقی سوئیس قرار دارد و جاده‌های منتهی به آن به‌قدری صعب‌العبور است که در زمستانهای پربرف مدت‌ها راه بسته می‌شود و شاید یکی از دلایل اینکه شاه آنجا را انتخاب می‌کرد همین امر می‌باشد. مینو صمیمی. پشت پرده تخت طاووس. مترجم حسین ابوترابیان. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸. صص ۹۹ - ۱۰۰.

قریشی دستگیر و دولو برای ادای توضیحات به دادگاه فراخوانده می‌شود. دولو از ترس دستگیر شدن با صلاح‌دید مقامات ایرانی و استفاده از مصونیت سیاسی‌اش با هواپیمای اختصاصی شاه از سوئیس خارج می‌شود و به ایران بازمی‌گردد. با درز کردن این موضوع و جنجالی شدن ابعاد آن در مطبوعات اروپا، نوک تیز پیکان این حملات متوجه شخص شاه می‌شود.

شاه که همواره از جنجال مطبوعاتی و مطرح شدن نامش در این‌گونه مسائل هراس داشت، فوراً دستور رسیدگی به این پرونده و خلاص شدن دولو را به اسدالله علم وزیر وقت دربار ابلاغ می‌کند. درنهایت، علم با خرج کردن مبالغی هنگفت و استخدام وکلای درجه اول اروپایی و استفاده از عوامل دوست در دستگاه‌های قضایی و هیئت حاکمه سوئیس این مسئله را به پایان می‌رساند.

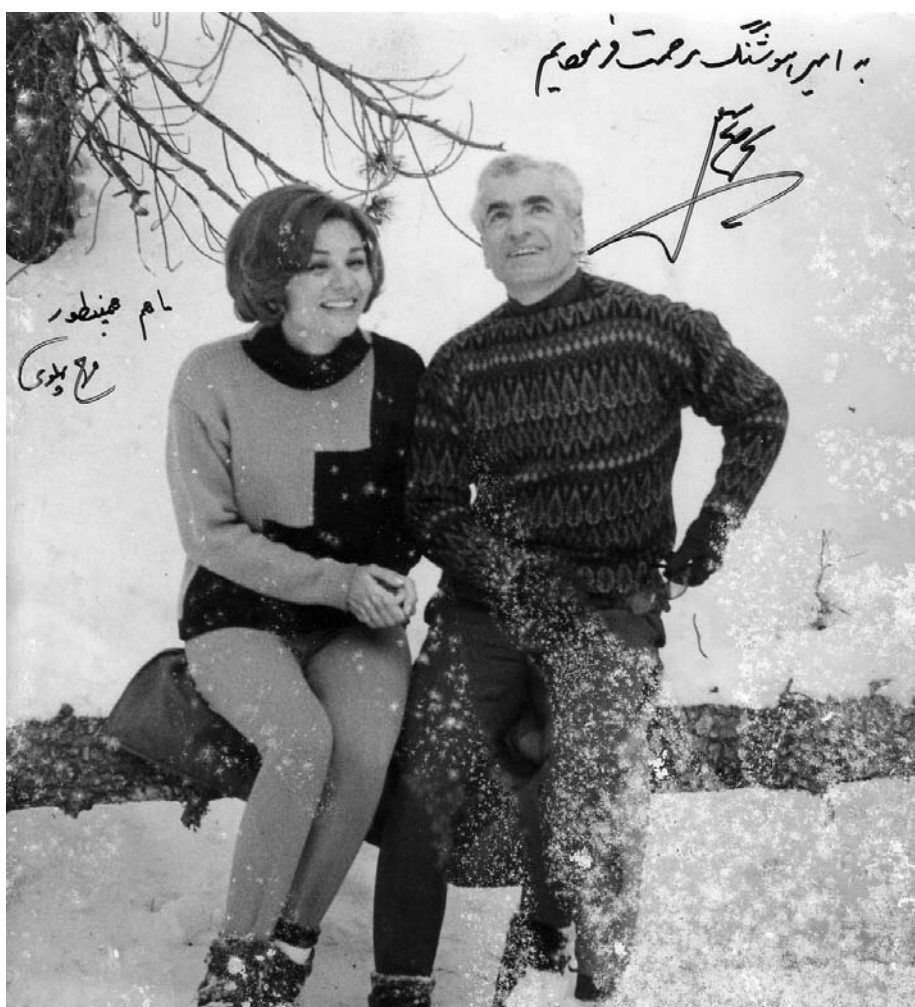
در این نوشته کوشش به عمل آمده تا آنجایی که میسر است و اسناد امکان آن را فراهم می‌کند این رخداد بازسازی شود و گوشه‌ای کوچک از اوضاع و احوال دربار ایران و هیئت حاکمه پهلوی مورد بررسی و نقد قرار گیرند.



زندگانی محمدرضا پهلوی دارای دو روبه می‌باشد اول زندگی رسمی و آشکار و دیگر، زندگی خصوصی و نهان. زندگی رسمی وی همان است که عموم مردم از طریق جراید و سایر رسانه‌های عمومی از آن آگاهی داشتند، مانند ارتباط با سران قوای سه‌گانه و یا سران نظامی مانند وزیر جنگ و سایر مسئولان بلندپایه کشور. ولی قسمت مهم زندگی شاه، زندگی خصوصی وی محسوب می‌شود، که این بخش از زندگی وی نقش مهمی در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای اقتصادی و سیاسی ایران برجای می‌گذاشت. در این گونه محافل خصوصی بود که دوستان شخصی شاه با استفاده از موقعیت غیررسمی آن تمام مسائل خود را از قبیل مسائل مالی و یا سیاسی، دوستانه با شاه مطرح می‌کردند و معمولاً کمتر جواب منفی می‌گرفتند. نقش این‌گونه محافل «درونی» چنان مهم است که حتی امریکاییان نیز به آن علاقه نشان می‌دادند و در گزارشهای خود چنین می‌نوشتند:

اشخاص بسیاری دارای مقامهای رسمی یا نیمه‌رسمی، یا صرفاً بیکار، دوستان و موکلین دربار و یا اعضای دربار کسانی هستند که شاه را احاطه کرده‌اند. در میان اشخاص حاضر از افراد مطلع، مستعد، صلاحیتدار تا افراد بی‌فکر و سودجو یافت می‌شوند...^۲ محفل درونی در حال حاضر شامل تعدادی از مقامات است که رابطه

۲. برگرفته از جزوه سازمان سیا، ۱۹۷۵؛/ز ظهور تا سقوط. ج ۱. ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط



عکس امضا شده محمدرضا و فرح پهلوی برای امیر هوشنگ دولو [۱۸۹۵-۱ - پ]

آنها با شاه بر اساس اعتماد و اطمینان متقابل برقرار شده است. آنها بیشترین نفوذ را بر شاه داشته و برای دسترسی به بخشهای مهم اجتماع کانالهای مهمی را ایجاد می نمایند.^۳

حسین فردوست، اسدالله علم، عبدالکریم ایادی، اشرف، جمشید علم، امیر هوشنگ

۳. امام. تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۶۶. ص ۴۷.

۳. همان، ص ۵۱.

دولو، فلیکس آقایان از جمله کسانی اند که نامشان در این گزارشها آمده است. البته وقتی صحبت از محفل درونی دربار می‌شود نباید یک مجموعه یکدست و منسجم را به ذهن آورد چون تک‌تک این افراد بر پایه منافع شخصی خود دست به فعالیت می‌زدند؛ چه بسا در داخل جمع خود به چند جناح مجزا و احیاناً رقیب تبدیل می‌شدند. شاه هم از این تفرقه چندان ناراحت نبود، چون تصور وجود جناح و رقاباتی جدی و خطرناک برایش غیرقابل قبول بود. برای نمونه اسدالله علم و دولو از دوستان بسیار نزدیک شاه محسوب می‌شدند اما علم همیشه در خاطرات خود به بدگویی از دولو می‌پردازد و او را کسی می‌داند که آبروی شاه را در محافل داخلی و بین‌المللی می‌ریزد. البته شاید ریشه اصلی اختلاف این دو در رقابتشان برای ترتیب دادن مجالس بزم و عیش شاه باشد که هر یک سعی می‌کردند بیشتر رضایت خاطر شاه را فراهم کنند. از افراد مهم این محفل همین امیرهوشنگ دولوست^۴ که اسناد ارائه شده عمدتاً به او مربوط می‌شود. حسین فردوست که از دوستان صمیمی شاه است بهترین تعریف را درباره وی ارائه می‌دهد:

پس از [فلیکس آقایان] باید از دولو سخن بگویم که به سلطان خاویار ایران شهرت داشت. دولو از خاندان قاجار بود. این مرد از روزی که پیدا شد بلافاصله به اتاق خواب محمدرضا راه یافت، زیرا دخترهای زیبای ایرانی و فرانسوی را می‌شناخت و می‌توانست بیاورد همین کافی بود ... تریاکی شدید بود و به دستور محمدرضا بهترین تریاک ایران به وفور برای خود او و همه مجانی در اختیارش قرار می‌گرفت. هر روز مقامات مهمی به خانه دولو می‌رفتند کسی که می‌خواست وکیل یا سفیر یا وزیر شود؛ افسری که می‌خواست سرتیپ با سرلشگر با سپهبد باشد و ... او تمام درخواستها را مستقیماً در اتاق خواب محمدرضا به اطلاعش می‌رساند. و بدون استثناء، همه تصویب می‌شد ... کار دولو چیزی دیگری بود و به مسائل اطلاعاتی و جاسوسی کاری نداشت.^۵

احمدعلی مسعود انصاری که از یاران نزدیک فرح محسوب می‌شد نیز اطلاعات جالبی در مورد دولو به دست می‌دهد:

... امیرهوشنگ دولو که آن زمانها هم روابطش با شاه شناخته بود، اما هیچ وقت نه

۴. امیرهوشنگ دولو قاجار، فرزند محمدولی خان آصف‌الدوله، در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدر او از طایفه دولو از ایل قاجار بود و مادرش منیراعظم (دختر کامران میرزا، خاله احمدشاه) با دودمان سلطنتی قاجار بستگی داشت. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲. تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۰. ج ۲، ص ۴۶۱. ۵. همان، ج ۱، صص ۲۶۴ - ۲۶۵.

وزیر بود و نه وکیل و نه صاحب هیچ شغل و سمت رسمی و تنها سمت رسمی اش پیشخدمتی شاه بود که حکم مخصوص آن را داشت. البته این آدمهایی که در حلقه روابط شخصی و در جمع یاران مخصوص شاه و فرح قرار می‌گرفتند در نظر زعمای قوم و مقامات درجه اول که از این روابط آگاه بودند، دارای منزلت و موقعیت خاصی می‌شدند و حرفشان بسیار خریدار داشت ... حقیقت این است که از طرف مقامات خیلی هم به آنها تملق گفته می‌شد و چاپلوسی آنها را می‌کردند.^۶

از آنجا که دُولو ید طولایی در تأمین بساط عیاشی محمدرضا داشت، مورد توجه خاص شاه نیز بود و تقریباً در اکثر مسافرتها داخلی و خارجی شاه حضور وی یکی از واجبات شمرده می‌شد. حتی گاه شاه از سوی فرح برای همراهی دُولو در مسافرت مورد اعتراض قرار می‌گرفت که معمولاً چندان توجهی به این اعتراضات نمی‌شد. علم در خاطرات خود می‌نویسد:

۱۳۴۹/۲/۱: در مورد سفرمان به شیراز گزارش دادم و به من دستور دادند که [امیر هوشنگ] دُولو هم حتماً همراهمان باشد. وقتی گفتم که این ممکن است باعث دلخوری شهبانو بشود، جواب داد من نمی‌توانم به تمام خواسته‌های دل او عمل کنم.^۷

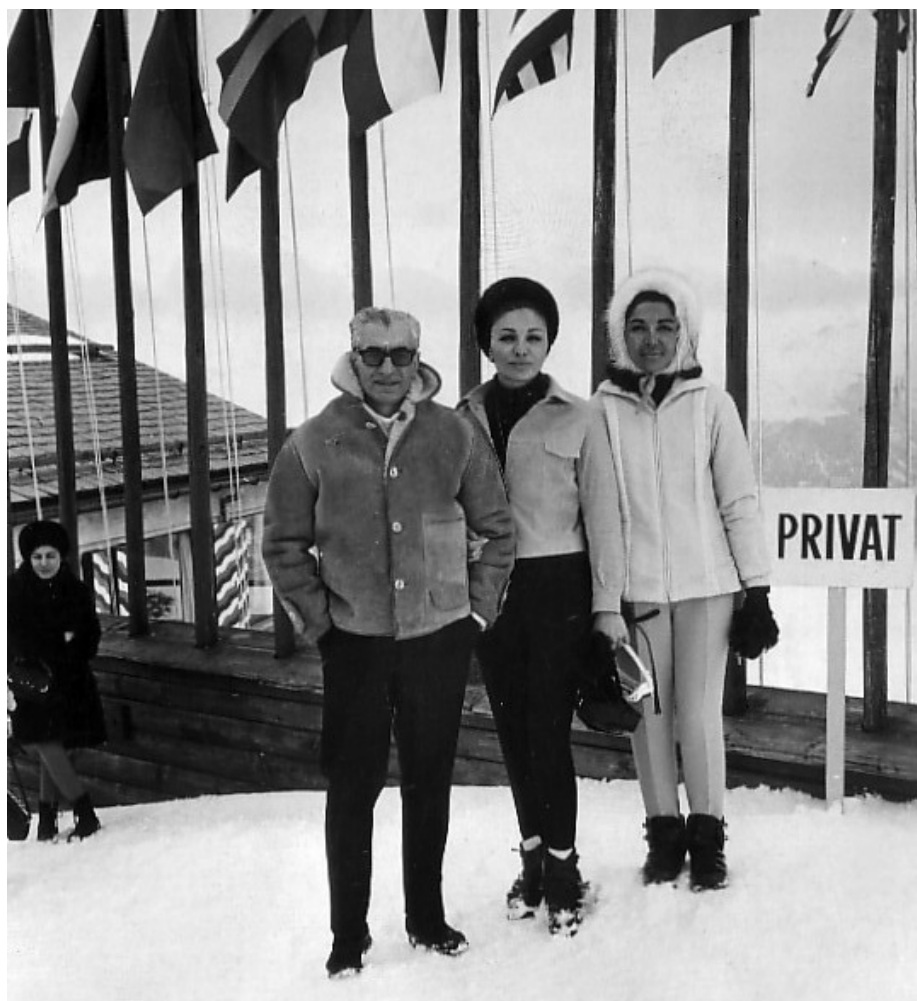
هوشنگ دُولو با توجه به خدمات مخصوصی که برای شاه انجام می‌داد از مواهب این خدمات نیز حداکثر استفاده را می‌برد از جمله انحصار فروش خاویار ایران را در دست داشت و با زد و بندهای متعددی که با مقامات شرکت شیلات می‌کرد ثروتی عظیم و هنگفت برای خود اندوخته بود. یک مقام مطلع شرکت شیلات به مصطفی الموتی، نویسنده کتاب ایران در عصر پهلوی چنین گفته است:

فروش خاویار ایران منحصراً در اختیار دو نفر بود. یکی امیر هوشنگ دُولو که حدود ۵۰ تن خاویار در سال برای فروش به اروپا در اختیار داشت و دیگری ژرژ فیکسون که بازار امریکا در اختیار او بود. دُولو که قراردادهایش به نام (احسانه خانم دُولو) بود تقریباً خاویار را کیلویی ۵۰ دلار می‌خرید و حال آنکه خاویار در آن وقت در اروپا هر کیلو ۲۰۰ دلار قیمت داشت.^۸

۶. احمد علی مسعود انصاری. *من و خاندان پهلوی*. ویراسته محمد برقی و حسین سرفراز. تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱. ص ۱۷.

۷. امیر اسدالله علم. *گفتگوهای من با شاه*. ج ۱. تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۱. ج ۱، ص ۲۳۲.

۸. مصطفی الموتی. *ایران در عصر پهلوی*. لندن، چاپ پکا، ۱۳۷۰. ج ۱۰، ص ۳۹.



از چپ: محمدرضا، فرح و فاطمه پهلوی در یکی از پیست‌های اسکی [۴-۱۲۱-پ]

یکی دیگر از منابع درآمد دولو را باید دست داشتن وی در قاچاق مواد مخدر دانست. داشتن تقرب مخصوص به دربار و مخصوصاً خود شاه وی را چنان گستاخ ساخته بود که دست به معامله‌های بزرگ مواد مخدر می‌زد. یک مورد آن، که با دخالت شاه و همکاری علم رفع و رجوع شد، قاچاق ۳۰ کیلو تریاک توسط راننده دولو از اصفهان به تهران بود. در مسیر بازگشت از اصفهان اتومبیل حاوی مواد مخدر با اتومبیل دیگری تصادف می‌کند و موجب لو رفتن تریاکها می‌گردد، فرمانده ژاندارمری آثاری از هروئین را نیز می‌یابد و این مسئله به اطلاع دربار می‌رسد. تحت فشار مقامات درباری و

حکومتی فرمانده ژاندارمری حرف خود را انکار می‌کند و ماجرا به نفع دولو به پایان می‌رسد. جالب اینجاست که در این ماجرا خود شاه شخصاً پیگیر به پایان رساندن آن می‌شود.^۹ البته این اولین و آخرین حمایت شاه از وی نبود بلکه در اسناد ارائه شده در بخش پایانی این نوشته خواهیم دید که در سطح بین‌المللی نیز شاه از حامیان اصلی دولو محسوب می‌شود.

همان‌طور که گفته شد وظیفه اصلی دولو فراهم آوردن وسایل عیش و عشرت شاه بود که این امر نیز از طریق عوامل دولو در اروپا تأمین می‌شد. از شناخته شده‌ترین عوامل وی در اروپا حسن قریشی است (که تصادفاً در اسناد ارائه شده عامل اصلی لو دادن دولو می‌باشد). وی که در نقش یک تاجر سیار در اروپا دائم در حال رفت و آمد بود در پوشش تجاری دست به اعمال غیرقانونی فراوانی می‌زد. از جمله اتهاماتی که به وی منسوب است: قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه است. از ثابت‌شده‌ترین اتهامات وی این است که دختران جوان را در اختیار شاه می‌گذاشت. طی اسنادی که در آینده نزدیک دربارهٔ خاندان پهلوی به وسیلهٔ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران منتشر می‌شود، نامه‌های فراوانی که دال بر این تجارت غیراخلاقی حسن قریشی است، ارائه خواهد شد. وی در این نامه‌ها سفارشهای خود را از طریق دولو و اردشیر زاهدی برای یافتن زنانی که مورد پسند شاه بودند از روی ژورنالهای مد لباس و یا عکس هنرپیشگان فیلمهای اروپایی می‌یافت و به سوی تهران گسیل می‌داشت. علم نیز در خاطراتش به این عمل حسن قریشی اشاره می‌کند. البته در این خاطرات از شخصی به نام ایکس نام برده می‌شود که با تطبیق اسناد یقیناً همین شخص است:

[شاه] دستور داد به ایکس یادآوری کنم که هر بار با زنی تماس می‌گیرد، به دولو گزارش بدهد و نه مستقیماً خود او. معنی این پیام را درک نکردم و او در توضیح گفت: می‌دانی، آدمهای ایکس برای جلب نظر من بیش از حد خوش‌خدمتی می‌کنند و در مواقعی برای انجام خدمات غیراخلاقی شان [!!!] با هم رقابت می‌کنند که امتیاز بیشتری بگیرند.^{۱۰}

حسن قریشی با ایجاد شرکتی به نام سادینکو با چند تن از دوستان سوئیسی‌اش دست به فعالیتهای مختلف تجاری می‌زد. البته چون به لحاظ قوانین سوئیس وی حق چنین کاری را نداشت کمتر نامی از وی در این شرکت مطرح بود، اما او به صورت غیررسمی مسئول محسوب می‌شد. از اسناد چنین استنباط می‌شود که محور فعالیت این

۹. برای اطلاع بیشتر ر. ک: گفتگوهای من با شاه. ج ۲، ص ۶۰۰. ۱۰. همان، ج ۱، صص ۳۳۲ - ۳۳۳.

شرکت تهیه مواد اولیه داروهای طبی بوده و حجم اصلی مواد اولیه این داروها را تریاک تشکیل می‌داده است. نمونه سندی که در این مورد می‌توان به آن اشاره کرد از شخصی ناشناس به قریشی است:

به آقای قریشی

موضوع تریاک

تاریخ: ۱۹۶۹/۱۱/۱۰

از آقای باجر در لوزان خواهش کردم تا این مسئله را بررسی کند. وی نتیجه را به قرار زیر برایم شرح داد: باجر با دو شرکت سیبا و گایگی مذاکره و گفت‌وگو کرده که هر دوی آنها [در داروهایشان] از مقادیر فراوانی تریاک استفاده می‌کنند و برای تهیه تریاک سازمانی در اختیار دارند. سیبا - گایگی احتمالاً برای ایجاد سازمانی برای تهیه تریاک از ایران علاقه‌مند خواهند بود. بدین منظور، آقای باجر در حال حاضر سرگرم گفت‌وگو با آنهاست. به محض اینکه وی امکانات محسوسی بیابد با ما تماس خواهد گرفت. از تو می‌خواهم که در تهران تمهیدات لازم را به عمل آوری تا این قضیه به تو واگذار شود و کسی جایگزین تو نگردد. نباید به خود اجازه بدهیم که وجهه خودمان را در مقابل سیبا-گایگی از دست بدهیم.^{۱۱}

با توجه به رابطه نزدیک دولو با این شرکت و قریشی، بعید به نظر نمی‌رسد که برای تهیه تریاک موردنیاز این شرکتها دست دولو نیز به عنوان کسی که دسترسی فراوانی به تهیه تریاک داشته است در این جریان نیز دخیل باشد.

بعد از سالها فعالیت با پیش آمدن اختلاف - که چگونگی و نوع آن بر ما روشن نیست - بین قریشی و دوستانش که عمده‌ترین آنها دکتر گورکن *Dr. Gorgen* است، شراکت به هم می‌خورد. ادعای قریشی بر این مبنی است که دکتر گورکن و چند تن دیگر از وکلای سابق قریشی برای تصفیه حساب داخلی و بدنام کردن او این مقدار تریاک را به پلیس مواد مخدر تحویل داده‌اند و موجب بی‌آبرویی او را فراهم کرده‌اند. قریشی را پلیس دستگیر می‌کند و به زندان می‌اندازد.^{۱۲}

۱۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۷۱-۲-۵-۳۱۰-الف.

۱۲. حسن قریشی در مورد شریک خود این‌طور می‌گوید: دکتر گورکن سعی نمود و موفق شد که وضعیت مرا بزرگ جلوه‌گر سازد. پلیس و قاضی بازپرس از نقشی که دکتر گورکن ایفا می‌کرده اطلاع داشته‌اند. منتظر ورود شاه به سنت موریتس شدند آنگاه جریان امر را فاش ساختند. پس از بیست و هفت سال دوستی، روابط من با دکتر گورکن خوب نیست، به‌خصوص از یکسال و نیم پیش به این طرف. اگر دکتر گورکن بی‌طرف باقی می‌ماند از هرگونه اقدامی خودداری می‌کرد و همچنین به منشی خود خانم دبو نیز همین خط‌مشی را دیکته می‌کرد. برعکس آقای گورکن بی‌اندازه فعال بود که خانم والون را نزد آقای بودن وکیل دادگستری فرستاد و هم او بود که مقامات صلاحیتدار را متوجه کرد. این یک دلیل غیرقابل انکار است که نامبرده سعی نموده چیزی بدست آورد. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



فرح پهلوی و امیر هوشنگ دولو در یکی از ایستهای اسکی سوئیس [۱۱۸۵-۱-پ]

حسن قریشی در مورد اعترافش بر ضد دولو به یکی از وکلای ایرانی پرونده یعنی دکتر حسن متین چنین می‌گوید: «قاضی وبر [بازپرس پرونده] با من مثل مأمورین گشتاپو رفتار کرد و من مجبور شدم بگویم از دولو گرفتم زیرا او دارای پاسپورت دیپلماتیک بود».^{۱۳}

در جریان دادگاههای بدوی طبق درخواستی که قاضی وبر بازپرس پرونده برای تکمیل اطلاعات در مورد متهمان از مراجع قانونی دیگر می‌کند گوشه‌ای دیگر از اعمال غیرقانونی قریشی و دولو برملا می‌شود. طبق اسناد موجود چنین به نظر می‌رسد که دولو از ده سال قبل از این دارای پرونده قضایی بود و مورد سوءظن مقامات پلیس قرار داشته است.

اولین سند نامه‌ای است از گمرکات کل سوئیس به دادستانی سوئیس در سال: ۱۹۶۰

سند شماره ۱۷۱-۲-۵-۲۱۶-الف.

۱۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. اسناد شماره ۲۸۵ تا ۲۸۳-۵-۲-۱۷۱-الف.

مأموران گمرک سوئیس به شخصی به نام هوشنگ دولو (تبعه ایران و مقیم پاریس) که در قاچاق هروئین ظاهراً نقش اصلی را دارد ظنین شده‌اند ... آقای دولو ظاهراً شیره‌کشخانه‌ای را در آپارتمان خود در پاریس دایر کرده است. چون امکان دارد آقای دولو از خطوط هوایی و فرودگاههای سوئیس برای قاچاق مواد مخدر استفاده کند تدابیر لازم علیه نامبرده اتخاذ شود.^{۱۴}

یا در سند دیگری که مربوط به اوایل دهه ۶۰ میلادی است از سوی وزارت خزانه‌داری امریکا، شعبه مواد مخدر گزارشهایی مبنی بر دست داشتن دولو در قاچاق مواد مخدر با استفاده از خطوط هوایی ایرانی به سوی اروپا وجود داشته و حتی اشاره شده است که وی از دوستان نزدیک و صمیمی شاه است.^{۱۵} با مطرح شدن این اتهامات، پرونده دولو قطورتر می‌شود و هر روز دامنه جنجال مطبوعات گسترش می‌یابد.

باید اشاره کرد که بازتاب داخلی دستگیری قریشی و فرار دولو از سوئیس در ایران طبق معمول به علت جوّ سانسور مطبوعاتی و اختناق جاری آن در حد صفر بود و تنها چیزی که مردم از آن آگاهی یافتند در حد شایعات و درز کردن برخی اخبار از مطبوعات خارجی بود ولی روزنامه‌های خارجی آن را به شکلی وسیع همراه با شایعات فراوان و اضافه کردن شاخ و برگ در جهان منعکس کردند.^{۱۶}

به دستور شاه سریعاً گروهی از افراد که هماهنگ‌کننده اصلی آن اسدالله علم بود مأمور رسیدگی به این پرونده می‌شدند. امیرمفتی، معاون دربار نیز پیگیری روزمره و ارتباط با خارج را برعهده گرفت. در سوئیس پرویز خوانساری، سفیر ایران در ژنو با مجموعه‌ای از زبده‌ترین و مشهورترین وکلای سوئیسی و اروپایی و صرف مبالغی

۱۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سند شماره ۳۲۵-۵-۲-۱۷۱-الف.

۱۵. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، اسناد شماره ۳۲۳ و ۳۲۲-۵-۲-۱۷۱-الف.

۱۶. بعد از انقلاب چند جلد از کتب منتشر شده که بیشتر خاطرات است اشاراتی مختصر و بعضاً مشروح‌تر به این جریان داشته‌اند از جمله آنها، کتابهای پشت پرده تخت طاووس (از مینو صمیمی) و سقوط شاه از (فریدون هویدا) است که با بی‌دقتی به آن پرداخته‌اند. فریدون هویدا بیشتر در جهت تأیید برادر خود و توجیه اعمال او به آن اشاره کرده و مینو صمیمی با اینکه خود منشی سفیر وقت ایران در سوئیس همزمان با این پرونده بوده و باید اطلاعاتی درست‌تر ارائه می‌کرد، ولی احتمالاً چون فقط به خاطرات ذهنی خود رجوع کرده مرتکب اشتباه شده است. هر دو نوشته‌اند که دولو در سوئیس دستگیر و با کمک شاه از زندان خارج شد و به ایران رفت در حالی که وی پس از بازجویی قریشی بود که با هوپیمای شخصی شاه به تهران بازگشت و هرگز دستگیر نشد. منبع دیگر، خاطرات اشرف پهلوی یعنی کتاب من و برادر من است که وی نیز به دلیل اینکه نامی از وی در مورد قاچاق مواد مخدر به موازات آن برده شده بود فقط به اعلام بی‌گناهی خود می‌پردازد. احمدعلی مسعود انصاری در کتاب من و خاندان پهلوی و خصوصاً اسدالله علم در خاطرات خود اطلاعات جامع‌تری ارائه کرده‌اند.

هنگفت، به شکل شبانه‌روزی، دست به کار می‌شوند. این گروه با ارتباط برقرار کردن، با افراد صاحب نفوذ چه در دستگاه قضایی و چه در دستگاه حکومتی سوئیس سعی در انحراف پرونده از جریان اصلی و مختم کردن آن داشتند. خود شاه نیز بر فعالیتهای این گروه نظارت دقیق داشت. دلیل اصلی این بسیج سریع را می‌توان حساسیت شخص شاه نسبت به بی‌آبرویی خود و ارتباط پیدا کردن با قاچاق مواد مخدر و از سوی دیگر ترس از تشدید حملات تبلیغاتی مطبوعات اروپایی در آستانه شرکت خود در کنفرانس سازمان بین‌المللی کار در ژنو و در نهایت محکوم شدن یار وفادارش، امیرهوشنگ دولو دانست. باتوجه به این مسائل، عمده کار این گروه بر دو محور استوار شد:

۱. فعالیت در به‌دست گرفتن ابتکار عمل خط سیر این پرونده در جهت مطلوب نظر شاه با استفاده از عوامل دوست در دستگاه حکومتی و قوه قضائیه سوئیس؛
 ۲. فعالیت به‌منظور جلب موافقت رسانه‌های گروهی غربی در کم کردن جنجال حول این پرونده و تبلیغات به نفع ایران جهت تدارک سفر شاه به سوئیس.
- (گفتنی است اسناد ارائه شده ضمیمه نیز براساس دو بند بالا تنظیم شده است).
اسدالله علم در خاطراتش از چگونگی شروع به کارش درباره پرونده امیرهوشنگ دولو چنین می‌نویسد:

خود من شخصاً سخت درگیرم تا بتوانم گرفتاری امیرهوشنگ دولو را در ارتباط با پلیس سوئیس حل کنم. دولو شاهزاده قاجاری مرد زیرکی است و با هوشمندی و چاپلوسی تمام، خود را نزد شاه محبوب کرده است ... هر سال با شاه به سن موریتس می‌رود تا هم به پاندازی‌هایش ادامه بدهد و هم بساز منقل و وافورش را جور کند اما در سفر اخیر شاه، پلیس سوئیس به خانه شخصی به نام آقای ق [حسن قریشی] که از دوستان دولوست حمله کرد و ۲۵ گرم تریاک^{۱۷} در خانه پیدا کرد. آقای ق در بازپرسیهای پلیس اعتراف کرد که تریاکها را دولو به او داده است تا برای دوست مشترکی به نام خسرو قشقایی به آلمان بفرستد. پلیس موفق به بازجویی از دولو نشد چون به‌عنوان عضوی از ملتزمین رکاب شاه از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بود. در نتیجه رسوایی بدی به‌وجود آمد ... من شخصاً داوطلب رفع و رجوع این مشکل شدم چون می‌توانست برای شاه عزیزم و مردم ایران بدنامی به‌بار آورد. ابتدا باید ترتیبی بدهم تا قرار منع تعقیب دولو و آقای ق را صادر کنند و سپس باید موجبی تبلیغاتی برضد جنجالی که مطبوعات سوئیس و سایر کشورهای اروپایی در مورد این پرونده داشتند راه بیندازم.^{۱۸}

۱۷. مقدار اصلی آن ۳۵ گرم است.

۱۸. گفتگوهای من با شاه. ج ۱، صص ۳۲۱-۳۲۲.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، گروه همکاران و مشاوران به سرپرستی علم به سرعت تشکیل و کار شبانه‌روزی فشرده‌ای که همراه با انبوهی از مکالمات تلفنی و تلکسهای مستقیم بین سفارت ایران در سوئیس و دربار پهلوی بود برقرار شد. وکلای مشهور و زبده اروپایی به کمک و مشورت وکیل مشهور سوئسی ریموند نیکله (Raymond Nicolet) که بیشتر امور دربار و خاندان به وی محول می‌شد استخدام شدند.

مشاوران مشهوری که گاه سمتهای سیاسی نیز داشتند. از قبیل ژان پل بوئوسو (Jean Paul Bueusod) وکیل دادگستری و شهردار وقت ژنو که در سیاستمداران و قضات سوئسی نفوذ زیادی داشت حضوری مؤثر در این جمع داشتند. برای سه متهم اصلی این پرونده یعنی قریشی و دولو و خسرو قشقایی به خرج دربار وکلایی انتخاب شدند^{۱۹} که در نحوه دفاع هماهنگی کامل داشتند و گاه جلساتی برای همکاری بیشتر تشکیل می‌دادند.^{۲۰}

وکلای مشاور به این نتیجه می‌رسند که جهت حل این مشکل بهترین کار جدا کردن مسائل شاه از دولو و جدا کردن مسائل قریشی از دولو است. چنانکه نیکله طی نامه‌ای به امیرمفتی به این مطلب اشاره دارد:

بالاخره وضع آقای قریشی را چطور می‌خواهید تمام کنید؟ من گفتم که باید مسئله آقای دولو را از اعلیحضرت همایون شاهنشاه جدا کنیم و همچنین مسئله آقای قریشی را از آقای دولو. من عقیده‌ام همین است و می‌خواهم طبق آن عمل کنم.^{۲۱}

برای تحقق این امر دو روش به نظر وکلاء می‌رسد:

الف - برای جدا کردن مسئله قریشی از دولو، قریشی را مجبور کنند که سخنان و اعترافات سابقش برضد دولو را پس بگیرد و انکار کند.

ب - برای جدا کردن قضیه شاه و دولو، دولو را بدون داشتن مصونیت سیاسی به سوئیس اعزام کنند که در برابر دادگاه از خود دفاع کند.

در مورد بند اول، دربار و وکلای مدافع به شدت حسن قریشی را تحت فشار قرار

۱۹. وکیل دولو ریموند نیکله، وکیل قریشی دومینیک پونسه، و وکیل قشقایی کپلر نام داشتند.

۲۰. از نامه امیرمفتی به علم: «نیکله قبل از دریافت تلکس ما که دیشب فرستادیم تلکس زیر را مخابره کرد. همان‌طور که شفاهاً به عرض رساندم [نیکله] وکیل قریشی [پونسه] را می‌خواهد همراه خودش به تهران بیاورد، زیرا هر دستوری که نیکله بدهد وکیل قریشی انجام خواهد داد... مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۷۸-۵-۲-۱۷۱-الف.

۲۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۲۵۵-۵-۲-۱۷۱-الف.

می‌دهند. قریشی که توقع چنین برخوردی از دربار را نداشت و پشت خود را خالی می‌دید در یک حالت اضطراب و ناامیدی برای دفاع از خود سخنانی را پیش می‌کشید که پرونده بغرنج‌تر می‌شد و جریان دادگاه را از مسیر موردنظر دربار منحرف می‌کرد به طوری که خود وکلا نیز از دست حسن قریشی به ستوه آمدند نیکله در این مورد به امیرمتمی چنین گزارش می‌دهد:

بدیهی است که هر مرتبه که آقای قریشی نام اشخاص مهمی را پیش می‌کشید به تصور اینکه بدین طریق سبب خواهد شد که قاضی، بازجویی را متوقف کند، نتیجه معکوس می‌شود و قاضی می‌خواهد از همه این اشخاص بازجویی کند.^{۲۲}

برای توجیه این عمل قریشی، وکلا راه دیگری پیش گرفتند و آن دیوانه نشان دادن قریشی در انظار عمومی و دادگاه است، به طوری که نیکله در ادامه نامه قبلی چنین می‌نویسد:

نظری که هم‌اکنون شایع شده و بر نظرهای دیگر رجحان و برتری در اذهان پیدا کرده است این است که آقای دولو نه تنها، بی‌گناه است بلکه آقای قریشی از لحاظ روانی مریض می‌باشد.^{۲۳}

با قبول نکته اول توسط قریشی و انکار سخنانش بند دوم پیشنهاد وکلا به اجرا درمی‌آید. بدین منظور از دولو خواسته می‌شود که بدون مصونیت سیاسی به سوی سوئیس پرواز کند و در افواه نیز چنان شایع می‌کنند که آمدن دولو به سوئیس توسط خود شاه از وی خواسته شده است:

... این شخص [دولو] بیاید و در افکار عمومی منعکس شود که موقعی که ضمن ملتزمین رکاب شاهنشاه آریامهر بود از مصونیت استفاده نمود و به تهران رفت ولی حالا شاهنشاه آریامهر امر و دستور فرمودند که باید برود و نزد دادگاه حاضر شود و از خود دفاع کند.^{۲۴}

جالب اینجاست که خود مقامات سوئیس از آمدن دولو به سوئیس واهمه داشتند چه از آن می‌ترسیدند که هرگاه دولو در دادگاه حاضر و سپس محکوم شود، روابط گرم و دوستانه‌شان با شاه به سردی گراید و از سود سرشاری که از این جهت عایدشان می‌شود

۲۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۵۵۴-۲-۱۷۱-الف.

۲۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۵۵۵-۲-۱۷۱-الف.

۲۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، اسناد شماره ۴۳۸ تا ۴۳۶-۲-۱۷۱-الف.

محروم بمانند. خود شاه نیز شخصاً از مخالفان عمده نظر وکلای مدافع در این زمینه بود. علم در خاطراتش به مخالفت شاه چنین اشاره می‌کند:

... شام در کاخ ملکه مادر - شاه با برنامه ما مبنی بر فرستادن دولو به سوئیس در پس‌فردا مخالفت کرد. تذکر دادم که ترتیبات کار داده شده و وکیلش که یکی از مبرزترین وکلای اروپاست در فرودگاه از او استقبال خواهد کرد و خیال دارد همانجا در فرودگاه طی یک کنفرانس مطبوعاتی حملاتش را به مقامات سوئیس آغاز کند. اگر دولو نرود، ما امکان پیروزی روابط عمومی‌مان را از دست می‌دهیم. شاه همچنان نگران سلامتی دولو است که ممکن است زیر بار این فشار از پا درآید ولی من به او اطمینان دادم که مردک حالش کاملاً مناسب است و از عهده سفر برمی‌آید. یک بار دیگر تأکید کردم که طبق قرار عمل کنیم. شاه گفت: تو تحت تأثیر وکیل هستی که هر مزخرفی را بگوید می‌پذیری. من هم با عصبانیت و بدون لحظه‌ای فکر گفتم، در این صورت اعلیحضرت هم زیر طلسم امیرهوشنگ دولو قرار دارند ... ۲۵

با اصرار علم و گرفتن تعهد شفاهی از قاضی دادگاه مبنی بر عدم صدور برگه جلب برای دولو، شاه به این امر رضایت می‌دهد. ظاهراً این حربه که بیشتر حالت تهاجمی در برابر جو مطبوعاتی غربی داشت مؤثر می‌افتد. به طوری که علم در خاطراتش از راضی بودن شاه از این امر حکایت می‌کند. به هر حال، طی جلسات دادگاهی که از ۱۵ مه ۱۹۷۲ آغاز می‌شود دولو بی‌گناه شناخته می‌شود و قریشی تنها به جرم افترا به دولو به جریمه‌ای نقدی محکوم می‌گردد.

با موفقیت نسبی کارگزاران ایران در مرحله اول این پرونده، مرحله دوم که هدایت افکار عمومی مردم و مطبوعات را شامل می‌شد به موازات مرحله اول آغاز شده بود، شدت بیشتری به خود می‌گیرد. باید یادآوری کرد سیاستمداران ایران توجهی خاص به محتوای نشریات و مطبوعات خارجی داشتند.

از وظایف عمده نمایندگیهای ایران و سفارتخانه‌ها در خارج از کشور جذب و هدایت و در مواقعی برخورد با رسانه‌های گروهی کشور محل اقامت محسوب می‌شد. نحوه اعمال نفوذ بر این رسانه‌ها گاه قانونی و از طریق مطرح کردن شکایت در مراجع قضایی و رسمی و گاه غیرقانونی به صورت رشوه در قالب هدایای گران‌قیمت بود. نویسندگان خارجی نیز به این دست و دلبازی نظام و حساسیتشان در برابر مطبوعات پی برده بودند. جیمز بیل در کتاب شیر و عقاب به این مطلب اشاره دارد:

... حساسیت شاه نسبت به انتقاد به‌گونه‌ای بود که تمام اطرافیان نزدیک وی و بسیاری از زیردستانش در تلاش بودند تا نظر موافق افرادی را که در امریکاگرداننده و شکل‌دهنده عقاید مردم هستند، نسبت به ایران پهلوئی جلب نمایند و شاه معمولاً به دو کشور امریکا و انگلیس که میل داشت مطبوعات آنها درباره‌اش نظریات خوبی ابراز کنند - افرادی را به‌عنوان سفیر می‌فرستاد که در برقرار نمودن روابط عمومی از بصیرت کامل برخوردار بودند. اردشیر زاهدی و پرویز راجی آخرین سفیرانی که به این دو کشور فرستاده شدند، در اجرای این اهداف بسیار عالی عمل کردند زاهدی ... آمریکایی‌مآب، پرکار، سختکوش، سخاوتمند و بسیار خاکی بود ... زاهدی و راجی بیشتر وقت خود را در سمت سفیر صرف ایجاد روابط با اعضای وسایل ارتباط جمعی و دفاع از خود در برابر بازخوانیهای تند و تیز تهران - در پی چاپ مقاله‌ای انتقادی در کشورهای که در آن شاغل بودند می‌کردند.^{۲۶}

با توجه به مسافرتهاى همه ساله شاه به سوئیس برای اسکى، سفارت ایران توجه خاصی به مطبوعات این کشور داشت. مینو صمیمی منشی سفیر ایران در سوئیس در مورد مطالب روزنامه‌های سوئیس چنین می‌نویسد:

وزارت امور خارجه ایران با آگاهی از بدنامی خانواده سلطنتی در سوئیس، به من مأموریت داده بود و هر مقاله و گزارشی در مطبوعات سوئیس راجع به ایران و سفرهای شاه به سوئیس انتشار می‌یابد، همه را به فارسی ترجمه کنم تا از سوی سفارتخانه برای اطلاع مقامات وزارتخانه به تهران ارسال شود. و البته در جهت هرچه بیشتر کاستن از درج مقالات ناخوشایند راجع به شاه، وزارت خارجه ایران همه ساله قبل از کریسمس هدایای گران‌قیمتی از قبیل فرشهای ابریشمی، مقادیر معتابه خویار، و قوطی سیگارهای طلا یا نقره با آرم دربار شاهنشاهی به سفارتخانه می‌فرستاد تا از طریق من به روزنامه‌نگاران سوئیسی داده شود.^{۲۷}

ولی همیشه این تمهیدات مؤثر واقع نمی‌شد و برخی روزنامه‌های مستقل و حتی روزنامه‌های جنجالی، مطالب و مقالاتی که موجب ناخرسندی شاه می‌شد به چاپ می‌رساندند. مسائلی از قبیل دستگیری قریشی و متهم شدن دولو به قاچاق مواد مخدر یکی از موارد مورد علاقه این‌گونه نشریات بود. با هر جنجالی موضوع ایران و مسائل پشت پرده دربار را که مورد علاقه عمومی مردم عادی بود با آب و تاب فراوان به سمع

۲۶. بیل جیمز. ا. شیر و عقاب. ترجمه برلیان و فروزنده. تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱. ص ۴۹۱.

۲۷. پشت پرده تخت طاووس. صص ۱۱۶-۱۱۷.

همگان می‌رساندند، و حتی گاه کار به استهزاء و تمسخر دربار و شاه می‌انجامید. به‌عنوان نمونه، مینو صمیمی می‌نویسد:

یکی از روزنامه‌های سوئیس کاریکاتوری به چاپ رسانده بود که نشان می‌داد، رئیس تشریفات وزارت خارجه سوئیس کت گشادی با آستینهای دراز پوشیده بود و در حالی که شاه و شاهزاده دولو را درون آستین‌های خود مخفی کرده، دارد آنها را به سمت هواپیمای اختصاصی شاه می‌برد تا از سوئیس خارج شوند.^{۲۸}

از جمله کسانی که بسیار مورد توجه رسانه‌های همگانی غربی قرار داشت و باعث بالا رفتن تیراژ جراید می‌شد اشرف پهلوی است. با توجه به مسافرت‌های فراوان وی به اروپا همواره اعمال و حرکاتش زیر نگاه تیزبین خبرنگاران این‌گونه جراید قرار داشت. زندگی مرموز و سراسر فساد اشرف و آزادی عمل بسیار زیادش باعث می‌شد با پیش آمدن هر مشکلی برای دربار، وی را نیز یک پای آن ماجرا به حساب بیاورند چنانکه همزمان با دادگاه دولو، برخی نشریات اشرف را متهم به دست داشتن در قاچاق مواد مخدر کردند:

روزنامه‌های لاسوئیس و لاتریبون دو ژنو، در این موضوع با ایما و اشاره پای همراه در میان کشیدند - البته من می‌بایستی انتظار این کار را می‌داشتم زیرا کسانی هستند که هر جا اسکاندالی [رسوایی و فضیحت *Scandal*] برپا می‌شود، پای اشرف پهلوی را به میان می‌کشند - سپس در ۵ مارس ۱۹۷۲ روزنامه لوموند اتهامات دیگری را که به اصطلاح خودش مربوط به واقعه فرودگاه دیگری بود مطرح کرد [واقعه فرودگاه کوانترن ژنو در سال ۱۳۴۶ و پیدا شدن چمدانی مملو از هروئین به نام اشرف] با وجود اینکه برادرم معتقد بود نباید به مقاله وقعی نهاد و ار سر و صدای بیشتر باید پرهیز کرد من وکیل گرفتم و علیه روزنامه لوموند اعلام جرم کردم.^{۲۹}

تقارن این دو ماجرا یعنی اشرف و دولو، جو را برای تبرئه و بی‌گناه نشان دادن دولو سخت‌تر کرد. چون شکایت اشرف از لوموند موجب شده بود که سایر نشریات با لوموند احساس همدردی کنند و از تبلیغات خود برضد دربار نگاهند. ولی خشم اشرف از مطالب جراید چنان شدید بود که حتی منجر به دخالت خود شاه و توصیه به خواهرش شد:

ضمناً خود [علم] به جناب آقای بوشهری گفتم به عرض والا حضرت برساند تا

۲۸. پشت پرده تخت طاووس. صص ۱۱۷ - ۱۱۸.

۲۹. اشرف پهلوی. من و برادرم. تهران، نشر علم، ۱۳۷۵. صص ۳۲۸-۳۲۹.

دستور صریح از طرف ما نرسد و اوامر مبارک را ابلاغ نمایم راجع به تعقیب یا عدم تعقیب لوموند اقدام نفرمایند. خواهش می‌کنم سئوال فرمایند تاکنون اقدامی کرده‌اند یا خیر؟ فقط تا خبر ما نرسد هیچ اقدامی نباید بشود.^{۳۰}

ولی باتوجه به پافشاری اشرف بر تعقیب لوموند، با ابتکار علم و امیرمتمقی قرار بر این شد که در جوی کاملاً دوستانه، گفت‌وگو میان وکیل اشرف پهلوی و وکیل حقوقی روزنامه لوموند، آقای ساردا، در دادگاه شکایت از لوموند پذیرفته شود ولی اشرف از غرامت نقدی صرف‌نظر کند و در همانجا از روزنامه لوموند تعریف و تمجید کند. با حل و فصل شدن این قضیه، عمده فعالیت گروه وکلا بر کار تبلیغی به نفع دولو و اصلاح وجهه دربار متمرکز شد. نیکله که دیگر در اینجا همه‌کاره شده بود با داشتن نفوذ بسیار بر جراید و بهره‌مند بودن از دوستان فراوان در مطبوعات با دادن هدایا و فرستادن نمایندگان مطبوعات به ایران و پذیرایی شایان توجه دربار از آنان جوی مطلوب به‌وجود آورده بود، به‌طوری که با آمدن دولو به سوئیس برای بازپرسی جو مطبوعاتی به شدت به نفع دربار تغییر یافت:

شاه روحیه فوق‌العاده خوبی داشت. بریده جراید فرانسه و سوئیس را نشان داد؛ تا چندی پیش با ما مثل کثافت رفتار می‌کردند، حالا از ما بهتر یافت نمی‌شود. حالا دیگر معتقدند که دولو فرشته است.^{۳۱}

یک ماه بعد از تبرئه شدن دولو و پایان مطلوب آن به نفع دربار، شاه با همراهی فرح در ۲۳ خرداد ۱۳۵۱ برای ایراد نطقی در پنجاه و هفتمین کنفرانس بین‌المللی کار به ژنو عزیمت کرد، بدون اینکه نگران مسائل حاشیه‌ای باشد.

در پایان نیز پاداش عوامل اصلی این پرونده به نحو احسن پرداخت شد. وکلا، علاوه بر دریافت حق و حقوق گزاف خود، به سفرهای تفریحی به ایران دعوت شدند البته سایرین نیز بی‌نصیب نماندند. برخی قضات دادگستری سوئیس و حتی افراد پلیس آن کشور را نیز به ایران دعوت شدند. خوب است به یکی از جالب‌ترین نمونه‌ها اشاره کنیم که دعوت از قاضی وبر، بازپرس اصلی پرونده است. وی که خود را بسیار قاطع و باشخصیت نشان می‌داد بعد از خاتمه پرونده و دعوت شدنش به ایران برای آنکه در انظار به وجهه‌اش آسیب چندانی وارد نیاید درخواست می‌کند که این دعوت برای حفظ

۳۰. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۳۱۵-۴-۲-۱۷۱-الف.

۳۱. گفتگوهای من با شاه. ج ۱. ص ۳۲۵.

ظاهر از سوی دانشگاه تهران انجام شود. متن سند چنین است: ۳۲
از ژنو

برای توجه جناب آقای امیرمتقی معاون وزارت دربار شاهنشاهی
دوست عزیز،

آقای قاضی وبر را امروز بعد از ظهر دیدم. خوشحال خواهد شد به اتفاق آقای دادستان کل و همسرانشان به ایران بیاید ولی برای اینکه اظهارنظری در ژنو نشود پیشنهاد کرده است که دعوت آنها مثلاً برای حفظ ظاهر از طرف دانشگاه تهران برای کنفرانس درباره مسائل مربوط به مواد مخدره در سوئیس صادر شود. آقای قاضی وبر سردبیر مجله بین‌المللی *Criminologie* می‌باشند. آقای دومینیک پنسه و بانو به آقای دوسه و خودم ملحق خواهند شد.

با تقدیم عالیترین احترامات دوستانه
ریمون نیکله

[در حاشیه:]

آقای امیرمتقی، به شرف عرض مبارک رسید؛ حسب الامر دانشگاه ملی دعوت کند.

۱۳۵۲/۴/۳

[اسدالله علم]

این مسافرت در بیستم فروردین ۵۳ تحقق پیدا کرد.

از دیگر کسانی که از قبیل این پرونده به نوایی رسیدند باید از خسرو قشقایی نام برد. از وی به عنوان یکی از رهبران مخالف شاه در خارج از کشور نام برده می‌شد و در این ماجرا به عنوان حلقه مفقوده و کسی که قریشی برای وی تریاک را فراهم کرده بود نام برده می‌شود.

قشقایی که از دوستان قریشی محسوب می‌شد با انکار اعترافات قریشی نه تنها به قریشی پشت می‌کند بلکه با سخنانش موجب رهایی دولو و تبرئه شدنش را نیز فراهم می‌کند و از پاداش آن نیز که رهایی از بدهی سنگینش در خارج از کشور است رهایی می‌یابد. البته در اسناد مشخص می‌شود که قشقایی نیز دقیقاً طبق سناریوی نوشته شده وکلای دربار نقش خود را بازی کرد و هرگز خودسرانه عمل نمی‌کرد. رابط و واسطه اصلی معامله بین خسرو قشقایی و دربار برادرش ناصر قشقایی بود که متحمل مسافرت‌های متعددی برای حل این ماجرا شد.

در جمع‌بندی پایانی، توجه به این نکات حائز اهمیت است:

۱. این پرونده حاکی از رابطه تنگاتنگ دربار و سردمداران قدرت در اروپاست که

۳۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۷۰-۵-۲-۱۷۱-الف.



محمدرضا پهلوی، کیومرث جهان‌بینی، امیرهوشنگ دولو، امیر خسرو افشار و غلامعلی سیف ناصری
در مسافرت تفریحی به سوئیس، [۱۱۰۵-۱-پ]

برای حل معضلات و بحرانهای پیش آمده برای شاه و دربار با همکاری یکدیگر و از مجاری قانونی و غیرقانونی با خرج تراشی فراوان به حل آن می‌پرداختند.

۲. نکته مهم دیگر آشکار شدن چهره وابسته رسانه‌های همگانی غربی به دربار و جذب شدن سریع روزنامه‌نگاران به ظاهر مدعی روشنفکری و آزادی به سوی آن با دریافت کردن هدایا و دعوت شدنشان برای مسافرت کردن به ایران است.

۳. این پرونده استقلال قوه قضاییه کشورهای اروپایی را مورد شک و تردید قرار می‌دهد، و نشان داد که محاکم این کشورها تحت تأثیر اوضاع سیاسی و عوامل صاحب نفوذ قرار دارند.

۴. هرچند پرونده دولو مختوم اعلام و خود دولو بی‌گناه شناخته شد، ولی همواره این دو سؤال بی جواب مانده است: شخصی چون دولو که شرکت داشتن وی در قاچاق مواد مخدر در داخل کشور محرز است چگونه می‌توانسته از بازار وسیع و پردرآمد

این‌گونه مواد در اروپا چشم‌پوشی کرده باشد؟ آیا دربار که دولو از اعضای مؤثر آن محسوب می‌شد- با تلاش فراوانی که برای استخلاص وی به عمل آورد متهم اصلی این پرونده نخواهد بود؟

اسنادی که در ادامه می‌آید شامل مجموعه‌ای از ۳۲ سند منتخب است که از بین صدها سند مربوط به این ماجرا استخراج شده است. اصل این اسناد مربوط به مجموعه اسناد پرونده قطور امیر هوشنگ امیرمتقی، معاون دربار شاهنشاهی، است که در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود. این اسناد برای سهولت مطالعه به دو بخش تقسیم شده‌اند: بخش اول: از سند شماره ۱ تا ۲۳: اختصاص به اسنادی دارد که وقایع و مسائل حول و حوش جریان دادگاه قریشی-دولو را بازگو می‌کند.

بخش دوم: از سند شماره ۲۳ تا ۳۲: اختصاص به اسناد مربوط به فعالیت نمایندگان دربار شاهنشاهی در اروپا برای جلب و جذب رسانه‌های گروهی حزبی، اعم از رادیو تلویزیون و جراید، دارد. این اسناد حاکی از نحوه عمل و چگونگی دعوت خبرنگاران و پرداخت هدایا به آنان است.

[۱]

خیلی محرمانه

به: وزارت دربار شاهنشاهی

شماره: ۳۱۵/۱۱۹۹۶

تاریخ: ۵/۱۲/۱۶

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

درباره مندرجات نشریه بیلد سایتونینگ چاپ آلمان

درباره قاچاق مواد مخدر توسط یک نفر ایرانی

نشریه مذکور در صفحه اول شماره ۵۱-روز ۵۰/۱۲/۱۱ ضمن چاپ عکس حسن قریشی و بانو اسفندیاری با عنوان درشت نوشته «پارتی شاهانه در مونیخ» و توضیح داده است:

حسن قریشی یکی از ثروتمندان ایرانی مقیم آلمان که اکثراً بین شهرهای ژنو و مونیخ در مسافرت می‌باشد و در معاملات غیرقانونی مواد مخدر شرکت دارد اخیراً توسط مقامات سوئیس توقیف [شده] و یکی دیگر از نزدیکان شاه ایران بنام هوشنگ دولو که در این معاملات سهیم بوده است توانسته با استفاده از مصونیت سیاسی کشور سوئیس را ترک نماید. ضمناً در نشریه مذکور اعلام گردیده در میهمانی‌هایی که قریشی در مونیخ

ترتیب میداده است شخصیت‌های برجسته‌ای مانند خانم اسفندیاری و ملکه سابق تریا و غیره شرکت داشته‌اند. م

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور ارتشبد نصیری

از طرف، پرنیان‌فر

[۲۵۹-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲]

دربار شاهنشاهی

عین مقاله مندرج در روزنامه تریبون دو ژنو دیروز یازدهم آوریل ۱۹۷۲ بشرح زیر به عرض عالی میرسد:

قاضی بازپرس آقای وبر یک تاجر ایرانی به نام حسن ق. ۳۳ را که یک بسته ۳۵ گرمی تریاک خالص نزد او کشف شده متهم کرده است. کشف تریاک در ماه سپتامبر گذشته در محل کار تاجر مزبور در خیابان پدرو میلان انجام گردیده بود. مورد اتهام متعاقب جست‌وجوی محل در ماه فوریه اعلام گردید.

آقای حسن ق. در حضور قاضی مدعی شد که بسته مزبور را از یکی از هموطنان خود به نام پرنس د. ۳۴ دریافت داشته و مأمور بوده که بسته مزبور را به یک ایرانی دیگر که در آلمان اقامت دارد تحویل بدهد. آقای وبر به زحمت توانسته بود با آقای حسن ق. تماس حاصل نماید زیرا نامبرده چندین محل سکونت در سراسر اروپا دارد و به ندرت در آپارتمان خود در گرانسورسیه در ژنو می‌باشد. تماس با پرنس د. باز هم مشکلتر بود به حدی که هنوز هم قاضی موفق نشده است.

منشی آقای ق. که متوجه بسته مورد بحث شده بود نمونه‌ای از آن را برای تجزیه به آزمایشگاه فرستاد و نتیجه تجزیه سوءظن وی را تأیید کرده بود. لیکن نه منشی و [نه] شوهر منشی هیچ کدام اقدام به مطلع کردن دادستان نمودند.

آقای قاضی وبر جریان پرونده را با سرسختی و استقامت فوق‌العاده‌ای تعقیب نمود ولی کوششهای او فایده نبخشید و لیکن از پا ننشست و مصمم بود که وظیفه خود را تا آخر به نحو حسن انجام دهد. آقای قاضی وبر با دکتر س. که مخصوصاً از آلمان آمده بود ملاقات کرد. دکتر مزبور گواهی کرد که آقای ق. یک قاچاقچی نیست. دکتر س. آزادی موقت ق. را با دادن دو میلیون فرانک وجه‌الضمان، که در چند روز و مدت کوتاهی آماده شد، میسر ساخت. اکنون ق. در کاپری می‌باشد. حال برگردیم به پرنس د.، قاضی بازپرس وبر در مه فوریه حکم جلب وی را صادر کرد. در آن زمان نامبرده در

سن موریتس نزد شاه ایران به سر می‌برد و در نتیجه به عنوان همراه شاهنشاه از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بود. در تاریخ ۲۹ فوریه همراه شاه به ایران مراجعت کرد. شاه از قدیم‌الایام عادت دارد با خانواده خود هر سال یک ماه در منزلی که در گریزون دارد بگذراند.

توسط وزارت امور خارجه سوئیس و از طریق دیپلماتیک یک ملاقاتی بین قاضی وبر و پرنس د. پیش‌بینی گردید. حتی گفته شده این ملاقات در سفارت سوئیس در ایران که آقای کام‌بن سفیر سوئیس در تهران می‌باشد انجام شده است؛ سپس درباره یک بازجویی در ژنو صحبت شد. بعد پرنس د. مریض گردید و پزشک معالج او که یک مرض قلبی تشخیص داده بود دستور بستری شدن وی را در بیمارستان صادر کرد. آقای نیکله مشاور حقوقی دربار شاهنشاهی در سوئیس که مانند مقامات ایرانی علاقمند به پایان دادن به هر گونه تفسیر غلط از این جریان بود مداخله کرد و خواستار شرکت یک متخصص بیماریهای قلب از ژنو در معاینه پرنس د. گردید در نتیجه آقای دکتر فورنیه در معاینه پرنس د. شرکت جست و تصدیق نمود که قبل از اینکه پرنس د. اقدام به هر گونه مسافرت به ژنو بکند به سئوالات قاضی وبر پاسخ گوید باید مورد معالجه قرار گیرد.

پرنس د. که حالش بهتر شده بود از بیمارستان به خانه خود در تهران منتقل شد و آماده مسافرت به ژنو گردید. قرار بود که نامبرده دیروز بعد از ظهر دوشنبه وارد ژنو بشود و در یک اطاق خصوصی در بیمارستان بستری گردد تا مورد معالجه قرار گیرد. لیکن در این میان بود که آقای وبر مریض شد. طیب او به وی دستور داده است که به بیمارستان منتقل گردد و از صبح دوشنبه در اطاق شماره ۵۲۸ بستری می‌باشد در صورتی که اطاق ۵۲۹ برای پرنس د. رزرو شده بود. اتفاق، چه شوخیهای جالبی دارد. یک وعده مجدد گرفته شد و پرنس د. روز ۱۵ ماه مه در دفتر کار قاضی بازپرس حاضر خواهد شد. البته اگر سلامتی هر دو نفر اجازه بدهد تاریخ ملاقات به جلو خواهد افتاد. همه چیز دال بر این است که شاه ایران که قرار است برای افتتاح مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار به ژنو بیاید علاقمند است که این جریان با سرعت ممکن خاتمه پذیرد.

[۱۳۵ تا ۱۳۳-۵-۲-۱۷۱ الف]

[۳]

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیرمتقی
معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی
راجع به مطبوعات

۱. من از موضوع آمدن خبرنگار روزنامه‌های سوئیسی به ایران که در تهران راجع به

آن صحبت کردیم دیگر خبری دریافت نداشته‌ام. بدون دستور من کاری انجام نخواهند داد.

یک روزنامه‌نگار روزنامه لا سوئیس قرار بود به‌تهران بیاید و با الاحضرت اشرف مصاحبه کند برای ضمیمه بانوان روزنامه لا سوئیس. این طرح مورد موافقت الاحضرت اشرف قرار گرفته بوده است ولی من از آقای هایسلی بی‌خبر هستم.

۲. البته تصور می‌کنم که مقدمات مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه به سوئیس آماده باید بشود. دو آژانس بی‌اندازه جدی یکی در زوریخ و یکی در ژنو وجود دارد که شامل تمام روزنامه‌های سوئیس می‌گردد. موضوع فقط این نیست که جنجال مطبوعات باید تحمل شود موضوع اینست که باید حیثیت ایران در اذهان مردم و افکار عمومی تجدید و ترمیم گردد.

۳. آمدن آقای دولو یک عامل مثبت می‌باشد، اگر تمام مطبوعات علل آمدن او را شرح دهند، ولی اگر موقعیت تازه‌ای باشد که بار دیگر جنجال تازه‌ای ضمن تفسیر غلط و نامتناسب از وقایع به راه بیفتد آمدن آقای دولو مانند ضربه شمشیری است که به آب زده شود. عجله در آمدن آقای دولو هیچ کاری را آسان نخواهد نمود.

۴. معذرت می‌خواهم که درباره این مسائل با شما صحبت می‌کنم، ولی همه چیز تحت الشعاع مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر به سوئیس و موفقیت این مسافرت قرار دارد زیرا اگر مسئله مسافرت معظم‌له نبود مسئله آقای دولو وجود نمی‌داشت.

۵. من در ساعت ۱۷ با آقای خوانساری ملاقات خواهم کرد. اگر من می‌توانستم روز شنبه یا یکشنبه جوابی از شما به مناسبت آمدن آقای دولو در روز شنبه داشته باشم بی‌اندازه سپاسگزار می‌شدم.

با تقدیم عالیترین احترامات دوستانه
نیکوله

[۱۳۵۱/۱/۱۸]

[۲۴۵ و ۲۴۴-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۴]

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیرمتقی

معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

من چند لحظه پیش با آقای خوانساری ملاقات کردم و اخبار روز را به اطلاع ایشان رسانیدم. برای من مطلع کردن ایشان به آن نحوی که شما را به مرور از تحولات و

پیشرفت وقایع مطلع می‌سازم کمی مشکل است.

۱. آقای وبر نخواهد توانست آقای دولو را بپذیرد زیرا روز دوشنبه وارد کلینیک می‌شود. (این اطلاع را آقای دکتر فورنه داده است).
۲. من روز دوشنبه با آقای دکتر فورنه در فرودگاه منتظر آقای دولو خواهم بود. اگر آقای دولو توقیف نشود با خبرنگاران در رستوران فرودگاه ملاقات خواهد کرد. متأسفم که نخواهم توانست قبلاً او را ببینم ولی به او کمک خواهم کرد.
۳. من رئیس مطبوعات ژنو را از آمدن او مطلع خواهم کرد.
۴. جناب آقای خوانساری فکر می‌کنند که مبلغ دوست هزار فرانک برای وجه‌الضمان آزاد کردن او خیلی زیاد است. من فکر می‌کنم که به هر جهت نباید مبلغ بیشتری پیشنهاد شود، زیرا تصور خواهد شد که دولت ایران مبلغ مزبور را می‌پردازد. من هر کاری را که شما لازم بدانید انجام خواهم داد.
۵. من فکر می‌کنم که آمدن آقای قشقایی در روز ۱۵ ماه مه به ژنو لازم است، حتی اگر قرار شود خرج وکیل او و اقامت او و پول توجیبی او پرداخت گردد.
- همچنین لازم است آمدن آقای نجفی و کلفت او و آقای قریشی تسهیل گردد. هدف از آمدن این اشخاص پایان دادن به بازجویی جزائی در پانزدهم ماه مه میباشد.
۶. جناب آقای خوانساری مطلع شده‌اند که از هم‌اکنون خبر آمدن آقای دولو دانسته شده است و از طرف دیگر به مناسبت دیدار شاهنشاه آریامهر از سوئیس در مدارس اوراق پخش شده است. من عطف به اطلاعیه قبلی خودم کرده و می‌گویم لازم است که عکس‌العمل نشان داده شود.
۷. منتظر جواب شما هستم.

با تقدیم احترامات عالییه و دوستانه
نیکوله

[۱۳۵۱/۱/۱۸]

[۱۲۴ و ۱۲۳-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۵]

دربار شاهنشاهی

قابل توجه جناب آقای امیرمتمقی معاون وزارت دربار شاهنشاهی
ملاقات با آقایان پونسه و کپلر غروب جمعه ۱۲ مه

آقای کپلر قشقایی را که از طرف پلیس‌های ژنو در سه‌شنبه هشتم مه در مونیخ مورد



پرویز خوانساری [۱۶۳۵-۴]

بازجویی قرار گرفته و بعد از بازرسی از منزل او از ناحیه پلیس آلمان ملاقات کرده است
رونوشت بازجویی او هفته آینده به دست ما خواهد رسید.

۱. قشقای در بازجویی اظهار داشته که آنچه آقای قریشی گفته دروغ است. قشقای
گفته که وسیله پرداخت هزینه مسافرت‌های شخصی را برای گرفتن ۳۵ گرم تریاک در ژنو
ندارد که پردازد.

۲. مضحک است که وانمود کند که برای او لازم بود به آقای قریشی مراجعه کند تا ۳۵
گرم تریاک به او بدهد چون در مونیخ بدون هیچ اشکالی این مقدار تریاک را می‌توانست
به دست آورد.

۳. ضمناً به همان نسبت مضحک است که وانمود کنیم که یک دوست تریاکی که
محتاج به تریاک است با وجود اطباء مختلف در مونیخ که می‌توانستند بدون دریافت این
۳۵ گرم تریاک او را درمان کنند به قریشی مراجعه کنیم.

۴. در آخر واقعا مضحک است که وانمود کنیم که من قشقای احتیاجی به آقای
قریشی به عنوان رابط نزد آقای دولو داشته باشم من می‌توانستم مستقیماً به آقای دولو
مراجعه کنم.

قسمت ۲

آقای وکیل پونسه (وکیل قریشی)

در حال تعجب مانده است در مورد اینکه اظهارات قریشی هم از طرف آقای دولو و
هم از طرف آقای قشقای تکذیب شده است. با توجه به اینکه آقای قریشی ظاهراً
نمی‌تواند درباره آنچه که واقعاً گذشته است تصور کند و اگر مجدداً بازداشت شود ممکن
است آقایان خوانساری و پونسه وکیل خودش را به عنوان مسئول تغییر اظهارات معرفی
کند لذا تصمیم گرفته شد که به او توصیه کنیم که حقیقت را که با گفتار دولو و قشقای
تطبیق می‌کند بگوید. من تجدید می‌کنم این مطلب را که آقای قریشی نباید دربار
شاهنشاهی را دوباره وارد این ماجرا بکند و باید اورا از ادگذاشته و مسئول سرنوشت خود

موضوع ۳

آقای دولو که یک شخص محترم و مورد احترام است باید حقیقت را بگوید.

۱. به هیچ وجه تریاک به قریشی نداده است.
۲. آقای دولو خواهد گفت که قریشی بوسیله نامه از اینکه اسم او را برده است از او
معذرت خواسته است.

۳. برای من کاملاً بی‌تفاوت است که اظهار بدارد که تریاک در سوئیس استفاده می‌کند

یا نه زیرا برعکس این مطلب وانمود کردن غیر حقیقی به نظر می‌رسد.
بهترین دلیل بسود آقای دولو این است که شخصاً بخواسته خود به ژنو مراجعت کرده است نباید کاری کرد که این ارزش را تنزل داد و یا آنرا با گفتار خلاف خراب کرد.

موضوع دیگر

ملاقات شنبه صبح ۱۳ مه با آقای دکتر فورنه، دکتر آقای دولو
امتحان آقای پروفیسور دوشوسال از آقای دولو نشان میدهد که ایشان در وضع
مزاجی خوبی هستند و بستری شدن ایشان به علت جلوگیری از ناراحتیهای روحی و
عصبی می‌باشد. در این ضمن بنا به تقاضای من آقای دکتر فورنه تلفنی به آقای قاضی ویر
اطلاع داد.

۱. هر اقدام فوری برای توقیف ممکن است باعث یک انفکتوس جدید بشود.
 ۲. هر اقدام توأم با خشونت از طرف قاضی مثلاً (همراه کردن مأمورین پلیس همراه
دولو نیز با همین بحران را برای آقای دولو پیش خواهد آورد).
 ۳. گذاشتن آقای دولو در صورت قرار بازداشت از طرف قاضی و گذاشتن ایشان در
بیمارستان در یک قسمت جدا همان عواقب انفکتوس مجدد را برای دولو ایجاد خواهد
کرد.
- آقای قاضی ویر در جواب تلفن آقای دکتر فورنه مطالب را یادداشت کرده و با شوخی
اظهار داشته (کمتر امکان دارد بلایی به سر آقای دولو فرود بیاید).

موضوع دیگر

ملاقات شنبه ساعت ۱۱ با آقای لوباتونیه و آندره گینان
آقای گینان نامه جناب آقای بوشهری را که دریافت کرده

موضوع روزنامه لا سوئیس

آقای گینان اظهار داشت روزنامه لا سوئیس هفته آینده موضوع مورد بحث
والاحضرت اشرف را تکذیب خواهد کرد. آقای گینان مضمون آن را پس از مطالعه به من
اطلاع خواهد داد. آقای گینان با آقای هیسلی وکیل والاحضرت اشرف تماس گرفته است
و همکاری نزدیک برقرار شده است.

موضوع تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به سوئیس

آقای آندره گینان خوشوقت خواهد شد که در مورد حرکت روزنامه‌نگاران و
نمایندگان رادیو و تلویزیون اقدامات لازم را بنماید. با توجه به اینکه چون فعلاً آقای

گینان که سابقاً رئیس پارلمان سوئیس بوده به ظاهر در اینکارها دخالت نخواهد کرد. آقای گینان و من باتفاق در ژنو باتفاق آقای هانری اشمیت نماینده مجلس ژنو و نماینده مجلس ملی سوئیس ملاقات خواهیم داشت تا مقدمات حرکت یک مخبر از روزنامه (زوریخ جدید) بتهران بفرستیم.

ما به اتفاق آقای پیرپگن مدیر برنامه‌های تلویزیون ملاقات خواهیم کرد تا یک گروه خبرنگار به ایران بفرستیم.

بر طبق توصیه ایشان با آقای مهر روز مدیر رادیو سوئیس، رومان، ملاقات خواهیم کرد تا یک مخبر روزنامه ژورنال پارل و خانم ماری کلودله‌بورگ که نماینده جمعیت زنان است برای مصاحبه با والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به تهران بفرستیم که وقتی این برنامه اجرا شود بسیار عالی خواهد بود. به محض اینکه موضوع آقای دولو خاتمه پیدا کرد من وقتها را تعیین و اطلاع خواهم داد.

موضوع دیگر

ملاقات با قاضی وبر (بازپرس پرونده آقای دولو) شنبه بعد از ظهر
من با آقای قاضی وبر در منزل او تلفن کردم و ایشان را در کاخ دادگستری ملاقات کردم.

قشقای

قاضی از گزارش کمیسیون نیابت قضایی اطلاع یافته و پلیس ژنو گزارشی به ایشان داده‌اند. اگر قشقای در ژنو حضور به هم رساند او را توقیف خواهد کرد. من به قاضی وبر گفتم که به نظر من مصلحت نیست که قشقای به ژنو بیاید زیرا بعد از توقیف او محکمه رسیدگی به جرم مجدداً موضوع را زنده خواهد کرد. به نظر من بهتر است که از طرف دادگاه پلیس آقای قشقای محاکمه شود قاضی جواب داد که قشقای ممکنست تنها فردی نباشد که در محکمه حضور پیدا کند؛ من میدانم منظور چه کس دیگری است؟

موضوع قریشی

آقای قاضی وبر از من پرسید آیا قریشی با آقای دولو ملاقات کرده است. من جواب دادم تا آنجا که من می‌دانم خیر، ولی من دائماً در ژنو پیش آقای دولو نبوده‌ام. من امیدوارم که ملاقات نکرده‌اند. من هیچ‌گونه اعتمادی به قریشی ندارم. قاضی پرسید آیا قریشی گفتار خودش را تغییر خواهد داد من جواب دادم که با قریشی کاری ندارم و آنچه می‌دانم آن است که به آقای دولو نامه عذرخواهی از گفتار خودش نوشته که نامه را ندارم.

آقای قاضی وبر جواب داد مصلحت است که آن نامه را داشته باشیم و آنرا به قاضی بدهم. من جواب دادم که منم با شما همعقیده هستم.

موضوع امیرهوشنگ دولو

من درباره نگرانی خود در مورد وضع مزاجی آقای دولو و ریسک توقیف ایشان با قاضی مذاکره کردم. آقای قاضی وبر به من گفت آقای دکتر فورنه پزشک آقای دولو به او گزارشی داده است. من به قاضی گفتم در صورت صدور قرار توقیف، من بایستی آنچه را که نمی‌خواهم از قضات محکمه کمک بگیرم. قاضی جواب داد آیا با این اقدام می‌خواهم برای روزنامه‌نگاران مطلب و موضوع درست کنم؟ من از قاضی پرسیدم آیا در نظر دارد آقای دولو را توقیف کند. قاضی جواب داد که او فقط قاچاقچی‌ها را توقیف می‌کند و به نظر قاضی آقای دولو جزو این دسته نیست. برعکس، او هیچ وقت مصرف‌کنندگان را توقیف نمی‌کند و هیچ دلیلی ندارد که با آقای دولو رفتاری برتر از اشخاصی که بمواد مخدره معتاد هستند عمل نماید. در این موارد همیشه متهم را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا ثابت شود آیا می‌تواند او را از اعتیاد رها کند یا خیر در مورد آقای دولو این آزمایش مخصوص با سهولت خیلی بیشتر و سریعتر در قسمت مخصوص بیمارستان پروفیسور دوشوسال صورت خواهد گرفت. آقای دولو سپس توقیف نخواهد شد ولی باید تعهد کند که در بیمارستان تا جمعه ۱۹ مه که آخرین روز آزمایش است بماند. معلوم است که اگر این تعهد را نکند قاضی مجبور است او را مجبور کند که تا آن روز در مریضخانه بماند. من به قاضی گواهی دکتر رسین پاریس مورخ ۱۹۶۰ را تسلیم کرد. نتیجه این ملاقات بسیار مثبت است و باید آقای دولو را متقاعد کرد که همکاری نماید. از این راه قضیه بدون سر و صدا نوزدهم مه خاتمه خواهد یافت. متوجه خواهید شد که برای من بی‌تفاوت است که آقای دولو در سوئیس تریاک کشیده باشد یا خیر؛ این موضوع مهم نیست. البته تکذیب کردن این موضوع باعث ناراحتی قاضی خواهد شد و ما را به مشکلات بسیاری خواهد کشاند. من از شما می‌خواهم نزد آقای دولو در این باره کمک کنید.

امروز مجبور شدم آقای خوانساری و آقای دولو را ملاقات نکنم؛ فکر می‌کنم متوجه بشوند که کار داشته‌ام ولی من به هیچ وجه از این قضیه غافل نبودم و خواسته‌ام که تلکس برای شما قبل از دیدار با آقایان ارسال شود.

موضوع مالی

به آقای کپلر ده هزار فرانک دادم. با آقای پونسه گفته‌ام که ده هزار فرانک پیش من دارد

و همین طور که آقای قریشی در جریان است، نمی‌خواهم در صورت اشکالات قاضی بگویم که وکیل او از طرف دولت ایران پول دریافت می‌کند. من هیچگونه اعتمادی با آقای قریشی ندارم؛ او کارهای بسیار کرده است و بسیار حرفهای ناشایست زده است. اگر آقای دولو مشورتهای من را قبول کند و در بیمارستان بماند با خواست خداوند احتیاج به دادن ضمانت نخواهیم داشت. من همین حالا به آقای خوانساری تلفن خواهم کرد که بدون شک با بیصبری تمام منتظر است. با تقدیم عالیترین و دوستانه‌ترین احترامات و تشکرات عمیق برای پذیرائی [ای] که در تهران کردید.

ریموند نیکوله

[۳۳۱ تا ۳۲۵-۴-۲-۱۷۱-الف]

[۶]

دربار شاهنشاهی

از ژنو

برای توجه جناب آقای امیرمتمی معاون وزارت دربار شاهنشاهی
دوست عزیزم،

امروز صبح با آقای قاضی وبر تماس گرفتم؛ طرفین را برای ۱۶ اکتبر ۱۹۷۲ احضار می‌کند تا اظهاراتی که دیروز شده است به آنها تسلیم نماید. آقای دولو حاضر نخواهد شد.

جریان قضایی سپس به دادگاه خواهد رفت و در آنجا خیلی به نظر می‌رسد که جریان قضایی بر علیه آقای دولو بایگانی شود. این اساساً بستگی به اظهارات آقای قریشی دارد و او حالا چنین وانمود می‌کند که هدف یک توطئه بوده است. اگر نام شهودی در تائید این صحبتها ببرد جریان قضایی تجدید میشود و من واقعا نمیتوانم کاری بکنم. آقای قریشی بنظر میرسد مشورتهای آقای دومینیک پونسه را دنبال نمی‌کند و بیشتر به مشورتهای وکیل خود از لوزان آقای میر توجه دارد. آنچه که ممکنست آای قریشی را بیشتر از همه نگران سازد موضوع تجدید پروانه اقامت او در سویس است. چرا این مسئله را به آقای آندره گینان از ژنو محول نمی‌کند و چرا بدون اینکه از او پرسیم با آقای آندره گینان مشورت نمی‌کنیم؟

من فکر می‌کنم که باید آقای قاضی وبر را که در این قضیه با احتیاط زیاد پیشرفت می‌کند تا عکس‌العملهای تازه روی ندهد فهمید. این نگرانیها مربوط به قبل از جلسه آخر که منشأ آن یک تلکس از اینترپول ایران و رویه جناب آقای انصاری بوده است.

او کار خود را با وظیفه‌شناسی زیادی انجام می‌دهد، او نسبت به آقای دولو محبت زیادی نشان داد و اظهار میدارد که معتقد است که او بی‌گناه است.
در این هنگام اگر آقای قریشی اظهار عجیب و پر سر و صدای تازه‌ای بنماید لازم خواهد بود به او تعلیمات داد. ولی چگونه می‌توان دهان قریشی را بست و باو حالی کرد که منطقی رفتار کند؟

امیدوارم بفهمد که برای وجود آقای دولو لازمست این قضیه خاتمه یابد. آقای دوسه را دیروز در کاخ دادگستری دیدم. بدون جواب از طرف جنابعالی نتوانستم باو بگویم کی در تهران باشد و از اقامت در آن تاریخ سپس صرفنظر کرده است.

با تمام احساسات دوستانه

ریموند نیکوله

[۴۵۶ و ۴۵۵ - ۵ - ۲ - ۱۷۱ - الف]

[۷]

سری

گزارشی از نمایندگی در آلمان

ناصر قشقایی امروز با اینجانب تلفنی تماس گرفته اظهار داشت چند روز قبل حسن قریشی تلفنی با من در امریکا صحبت کرد و اظهار داشت مایلم هرچه زودتر به ژنو آمده و با هم ملاقات و در مورد خسرو مذاکره نمایم، و برای من بلیط هواپیما نیز فرستاد. من بلافاصله به ژنو آمده و با حسن قریشی ملاقات نمودم. او بمن اظهار داشت که به خسرو بگویند بایستی حقیقت را بگویند و چنانچه حقایق را بگویند وضع او بکلی عوض و در رفاه و آسایش خواهد بود و الا با چنین وضعیتی که فعلا دارد یا از گرسنگی خواهد مرد و یا در گوشه زندان‌ها. ناصر قشقایی اظهار داشت این موضوع هم جنبه تهدید و هم جنبه خریداری دارد. در مورد تهدید ما که کاری نکرده‌ایم که از تهدید بترسیم ولی از نقطه نظر مادی همانطور که در دفعات قبل به کرات، چه خودم و چه برادرم، گفته‌ایم اگر بتوانیم خدمتی بکنیم که از لحاظ معنوی مورد نظر مقامات عالیه قرار گیرد یقین داشته باشید توفعی نخواهیم داشت. با عرض مراتب بالا مستدعی است اوامر مخصوص را سریعاً امر بابلاغ فرمائید.

[در حاشیه]

جناب آقای امیرمتمقی به شرفعرض مبارک رسید؛ جواب را تقریباً داده‌ایم. در دست اقدام باشد تا بگویم چه کنند؟

۱۳۵۱/۱/۲۲

[اسدالله علم]

[۱۴۱ - ۵ - ۲ - ۱۷۱ - الف]

سری

گزارشی از نمایندگی در آلمان

ناصر قشقائی امروز با اینجانب تلفنی تماس گرفته اظهار داشت چند روز قبل حسن قریشی تلفنی با من در امریکا صحبت کرد و اظهار داشت ما ایلم هر چه زود تر به ژنو آمده و با هم ملاقات و در مورد خسرو مذاکره نمایم و برای من بلیط هواپیما نیز فرستاد . من بلافاصله به ژنو آمده و با حسن قریشی ملاقات نمودم او بمن اظهار داشت که به خسرو بگوئید بایستی حقیقت را بگوید و چنانچه حقایق را بگوید وضع او بکلی عوض و در رفاه و آسایش خواهد بود و الا با چنین وضعیتی که فعلا دارد یا از گرسنگی خواهد مرد و یا در گوشه زندان ها . ناصر قشقائی اظهار داشت این موضوع هم جنبه تهدید و هم جنبه خریداری دارد . در مورد تهدید ما که کاری نکرده ایم که از تهدید بترسیم ولی از نقطه نظر مادی همانطور که در دفعات قبل به کرات چه خودم و چه برادرم گفته ایم اگر بتوانیم خدمتی بکنیم که از لحاظ معنوی مورد نظر مقامات عالیه قرار گیرد یقین داشته باشید توقعی نخواهیم داشت . با عرض مراتب بالا مستدعیست او امر مخصوص را سریعا امر با بلاغ فرمائید .

۱۴۱-۵-۲-۱۷۱- (بف)

ناصر قشقائی
رئیس هیئت مدیره
وزارت اقتصاد
تهران
سری
(۱۱-۱-۵۱)

وزارت امور خارجه

اداره رمز

تلگراف کشف از مونیخ بتاريخ ۵۱/۲/۱۰ شماره ۱۱۲۷

جناب آقای خوانساری سفیر شاهنشاه آریامهر

همانطور که مرقوم فرموده‌اید خسرو در حضور جنابعالی و اینجانب اظهار داشت که به او وعده داده‌اند همین روزها بدهی‌های او حواله خواهد شد و هر روز انتظار دارد و جوه مورد تقاضای او حواله شود. اینک اظهارات آقایان دادستان و مرتضوی را به استحضار می‌رساند:

۱. در مورد گواهی صورت قروض از طرف سرکنسولگری آقای مرتضوی اظهار می‌دارد در حدود شش ماه قبل خسرو با اصل اسناد و فتوکپی آنها به سرکنسولگری مراجعه و اظهار داشته است که از نخست‌وزیری صورت قروض او را خواسته‌اند و تقاضا نمود با ملاحظه اصل اسناد سرکنسولگری گواهی نماید که فتوکپی برابر با اصل است. سرکنسولگری بدون آنکه امضا و متن سند را گواهی کند فقط رونوشت برابر فتوکپی را تأیید نموده. بطوریکه خسرو اظهار داشته فتوکپی اسناد را برای مادرش به تهران فرستاده تا مادرش تسلیم نخست‌وزیری نماید و به ایشان و آقای دادستان نداده است. آقای دادستان از این جریان اطلاعی نداشته است.

۲. آقای دادستان اظهار می‌دارد در ملاقاتی که در حدود چهار ماه قبل با ناصر انجام داده بهیچوجه تعهدی در مورد پرداخت بدهی‌های خسرو ننموده‌اند و اصولاً مذاکرات ایشان با ناصر مربوط به مسائل دیگری بوده و در آخر جلسه‌ای ناصر اظهار کرده که خسرو بدهی دارد و این بدهی را دولت بپردازد زیرا در غیر اینصورت ممکن است خسرو از دست برود. ایشان وعده داده است موضوع را به تهران گزارش دهد و هر دستوری رسید طبق آن اقدام نمایند. در ملاقات بعدی که آقای دادستان با حضور آقای مرتضوی با ناصر قشقای انجام داده آقای دادستان توضیح می‌دهند که در مورد قروض خسرو صحبت نکرده‌اند و فقط در آخر جلسه ناصر بطور خصوصی درخواست کرده قروض خسرو تسویه شود تا با خیال راحت بتواند برنامه‌های دیگر ایشان را انجام دهد و ایشان قول داده که تقاضای او را بعرض مقامات مسئول برساند و هر نوع اوامری صادر شد باو ابلاغ نماید و هیچگونه تعهدی ننموده است.

۳. آقای مرتضوی اظهار می‌دارد که خسرو به ایشان گفته از دست طلبکارها مجبور است از آلمان خارج شود چون هر آن ممکن است او را بازداشت نمایند و از فحوای

صحبت او استنباط می‌شد که به سوی اجنبی برود. آقای مرتضوی به او گفته است حال که در مورد کار شما از طرف سازمان‌های مختلف اقداماتی شده بهتر است عکس‌العمل دیگری از خود نشان ندهید و منتظر نتیجه اقدامات و تصمیمات مرکز بشوید.

۴. هم‌اکنون موفق شدم مراتب را از خسرو سؤال نمایم. اظهار داشت از طرف نخست‌وزیری مراسم و عواطف ملوکانه به مادر او در تهران ابلاغ شده بود و به همین جهت فتوکپی اسناد را برای گواهی به سرکنسولگری ارائه نمود و ضمناً مادرش به او اطلاع داده بود که در مورد قروض او قرار است اقدام شود و اظهار می‌دارد بنابراین قول هر آن منتظر نتیجه اقدام و پرداخت قروض می‌باشد. ضمناً خسرو اظهارات آقایان دادستان و مرتضوی را که در بالا به استحضار رسانیده تأیید می‌نماید. در مورد امضای وکالتنامه اظهار می‌دارد به محض ابلاغ احضاریه مقامات سویسی آنرا امضا [خواهد کرد] و هر دستوری داده شود انجام خواهد داد و اطاعت خواهد نمود. مستدعی است هر امری باشد ابلاغ فرمایند.

۱۳۵۱/۲/۱۰ فیهمی

[۲۴۰ تا ۲۳۸ - ۵ - ۲ - ۱۷۱ - الف]

[۹]

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیرمتقی
معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی
۱- آقای دولو

دیشب من با آقای وبر ملاقات کردم. به نظر می‌رسد که آقای دولو حتماً توقیف خواهد شد، و تحت آزمایش قرار خواهد گرفت. آزمایش مزبور که هدف آن پی بردن به اعتیاد آقای دولو است توسط دکتر آیشن‌برگ انجام خواهد شد و در نتیجه تصمیم گرفته خواهد شد که آیا باید به آقای دولو اجازه تریاک کشیدن داده شود یا نه. البته این مطلب هیچ معنی ندارد.

الف) وقتی آقای دولو در سوئیس بود از مصونیت سیاسی برخوردار بود لذا او هرگز در سرزمین سوئیس تریاک نکشیده است بلکه در سرزمین ایران تریاک کشیده است. (مقصود از این استدلال آقای نیکوله اینست که دارنده مصونیت سیاسی وقتی در خاک سوئیس هم باشد مثل اینست که در خاک کشور خود میباشد. این را در اصطلاح حقوق بین‌المللی می‌گویند «اصل خارج‌المملکتی» مترجم.

ب) وقتی آقای دولو در بیمارستان بستری گردد آقای قاضی بازپرس قدرت مداخله در تصمیمات پزشکی را نخواهد داشت. اگر در بیمارستان به آقای دولو اجازه تریاک کشیدن داده شود ربطی به قاضی نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد که آقای وبر تصمیم دارد آقای دولو را روز جمعه ۱۸ ماه مه پس از آزمایش دکتر آیشن‌برگ آزاد کند. هیئت دادستانی روز دوشنبه و چهارشنبه و جمعه تشکیل جلسه می‌دهد. آیا بهتر نیست تا روز جمعه ۱۸ ماه مه صبر کنیم تا ببینیم قاضی بازپرس چه خواهد کرد و آزادی آقای دولو را برای روز دوشنبه ۲۱ ماه مه تقاضا کنیم. دو نوع استدلال می‌توان کرد:

الف) حضور در جلسه هیئت دادستانی در روز چهارشنبه ۱۷ ماه مه تولید جنجال خواهد کرد و موجب خواهد شد که هیئت وجه‌الضمان زیادی مطالبه کند. لذا باید منصرف شد.

ب) جلسه هیئت دادستانی اگر در تاریخ ۲۱ ماه مه تشکیل گردد به طور خطرناکی نزدیک به مسافرت شاهنشاه آریامهر ایران خواهد بود. لذا باید از این امر احتراز شود. نظر من اینست که سعی کنیم با قاضی بازپرس همکاری نمائیم برای اینکه خود قاضی آقای دولو را آزاد کند. این راه‌حل برای آقای دولو ناگوار خواهد بود ولی از لحاظ سیاسی بهترین راه‌حل است.

۲. آقای قشقایی

بدیهی است که آقای قشقایی نمی‌خواهد همکاری کند و از نظر او هرچه که تشنج بوجود آورد که به اعلیحضرت شاهنشاه صدمه بزند او را بیشتر راضی و خرسند خواهد نمود. آقای وبر بمن اطلاع داد که:

الف) او یک کمیسیون [حکم مأموریت] بازجوئی برای مونیخ صادر کرده است که هنوز نتوانسته است با آقای قشقایی تماس بگیرد.

ب) یک حکم جلب بین‌المللی نیز جهت آقای قشقایی صادر کرده که آنهم نتوانسته آقای قشقایی را گیر بیاورد.

آقای قشقایی به جناب آقای خوانساری گفته است که از نحوه دادرسی ژنو بی‌اطلاع است این حرف او کاملاً غلط است. من به آقای اشमित در اداره پلیس وزارت دادگستری و پلیس فدرال تلفن کردم، آقای اشमित مسئول تقاضاهای استرداد مجرمین است:

الف) کمیسیون بازجوئی مربوط به برن نیست. لذا نمی‌داند موضوع در چه حال است ولی تصور می‌کند که باید عملی شود.

ب) حکم جلب بین‌المللی آقای وبر به انترپول در ویسبادن اطلاع داده شده است. انترپول ویسبادن دو نکته را یادآور شده:

۱. اگر آقای قشقایی در آلمان از آقای قریشی تریاک دریافت داشته است این مطلب در صلاحیت مقامات آلمانی است نه سوئیس.

۲. از طرف دیگر، آقای قشقایی از لحاظ جزائی توسط مقامات آلمانی به اتهام تجارت حشیش تحت تعقیب است و این تعقیب مقامات آلمانی قبل از عمل تعقیب مقامات سوئیس علیه آقای قشقایی صورت گرفته است. لذا مقامات آلمانی با اجرای حکم جلب بین‌المللی صادره از سوئیس مخالفت می‌کنند تا از تباری او با قریشی که مظنون به اقدام قاچاق مواد مخدره با همکاری قشقایی می‌باشد جلوگیری به عمل آورند.

لذا غیرممکن است که آقای قشقایی در تاریخ ۱۵ ماه مه به سوئیس بیاید. ولی آنچه که ممکنست اینستکه کمیسیون بازجوئی قبل از ۱۵ ماه مه مجری گردد و برای آقای وبر فرستاده شود. تنها فکری که به نظر من می‌رسد این است که در صورت امکان سفیر ایران در بن از دولت آلمان بخواهد هرچه زودتر کمیسیون بازجوئی عملی گردد. ولی حتمی به نظر می‌رسد که هرگز آقای قشقایی به سوئیس نخواهد آمد.

۳. آقای قریشی

آقای قریشی اظهار داشته است که آقای دولو به او ۳۵ گرم تریاک داده است اگر او حرف خود را پس بگیرد ماده ۳۰۳ قانون جزا شامل حال او خواهد شد.

تهمت و افترا زدن به کسی در مقابل قانون

۱. هر کس به مقامات شخصی را به عنوان عامل یک جنایت و یا یک جنحه معرفی بنماید، شخصی را که به بیگناهی او واقف بوده، و هدفش از این عمل آن باشد که علیه شخص مزبور تعقیب جزائی انجام شود، هر کس به ۲هر نحو دیگری توطئه بچیند برای اینکه موجبات تعقیب جزائی علیه شخص فراهم آورد که آن کس را بیگناه می‌داند، این کس به زندان با کار اجباری و یا زندان محکوم خواهد شد.

ماده ۳۵ قانون جزا اظهار می‌دارد:

زندان با کار اجباری شدیدترین مجازاتهای سلب‌کننده آزادی است. مدت این نوع زندان از حداقل یکسال تا بیست سال حداکثر می‌باشد. نتیجتاً تهمت و افترا زدن در مقابل قانون در صلاحیت دیوانعالی است. البته نمی‌توان مدعی شد که آقای قریشی قصد داشته است موجبات تعقیب جزائی آقای دولو را فراهم آورد. ولی اگر آقای قریشی حرف خود را پس بگیرد ممکنست آقای وبر او را متهم به مفاد ماده ۳۰۴ قانون جزا بکند این ماده کسی را که موجب اشتباه دادگستری بشود مجازات می‌نماید.

آقای دمینیک پونسه می‌ترسد که اگر آقای قریشی حرف خود را پس بگیرد آقای

قاضی وبر او را متهم نموده و توقیف نماید و هیئت دادستانی حاضر به آزاد کردن نگردد زیرا از آن پس موضوع جنبه جنائی خواهد داشت. اینکار به منزله وارد شدن در ماجرا می باشد.

من پیشنهاد کردم که آقای قریشی روز ۱۵ ماه مه سکوت اختیار کند و اظهارات خود را تغییر ندهد. وقتی که جریان به دادستانی فرستاده شد آقای قریشی نامه ای به دادستان کل بنویسد و بگوید حرف خود را پس می گیرد.

ممکنست که مقامات آلمانی نیز بخواهند آقای قریشی را دستگیر کنند پس از اینکه دادگستری سوئیس درباره او تصمیم اتخاذ کند. لذا این مسئله مطرح می شود که آیا بهتر نیست فعالیتهای خود را در مسائل زیر متمرکز کنیم:

الف) پایان دادن به بازجویی نزد آقای وبر در تاریخ ۱۵ ماه مه و روزهای بعد.

ب) اجرای کمیسیون بازجویی درباره آقای قشقایی در آلمان.

ج) به تعویق انداختن جریان محاکمه تا تابستان یا پائیز یعنی پس از مسافرت اعلیحضرت همایون شاهنشاه به سوئیس.

راجع به اینکه آیا آقای قریشی با قشقایی قاچاق کرده است این امر بما ربطی ندارد.

۴. مذاکره با جناب آقای اسفندیاری سفیر ایران در برن

جناب آقای اسفندیاری بمن اطلاع داد که وزارت امور خارجه سوئیس از آمدن آقای دولو به سوئیس از دو جهت نگران است یکی امکان توقیف او و دیگر شرایط بازداشت وی. من به او گفتم به نظر من اگر آقای دولو در تاریخ ۱۵ ماه مه به سوئیس نیاید این یک اشتباه بزرگ خواهد بود و موجب خواهد شد که جنجال مطبوعات از نو آغاز شود. آقای برشه هم همین نظر را دارند. او امروز ظهر به من گفت که در ژنو شایع شده است که آقای دولو برای بازجویی حاضر نخواهد شد.

آقای اسفندیاری عقیده بسیار متینی اظهار داشتند:

الف) وقتی آقای دولو همراه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران بود ولی از مصونیت تحت اصل خارج المملکتی برخوردار نبوده است. وزارت امور خارجه سوئیس لذا توجه ایشان را جلب کرده که آقای وبر حق داشته است درباره این مسئله اقدام به بازجویی بکند. لذا باید آنچه که من در این باره در آغاز این تلکس گفته ام تصحیح بفرمائید.

۵. تظاهرات ۱۵ ماه مه در ساعت ۱۵

برای همانروز ۱۵ ماه مه در محلی که من هنوز از آن اطلاع ندارم دعوت به تظاهرات

شده است. این تظاهرات به نفع زندانیان سیاسی در ایران می‌باشد. آقای وبر متن دعوتنامه را در میدان پرون خوانده است. من هم آنرا دیده‌ام. من نمی‌دانم که آیا این تظاهرات به مناسبت آمدن آقای دولو می‌باشد یا اینکه فقط تقارن اتفاقی دارد. بهر حال با آقای وبر اقدامات لازم را به عمل خواهیم آورد که از بروز هر گونه اتفاقی جلوگیری کنیم.

آقای وبر از بریگاد سیاسی خواسته است در این باره کسب اطلاع کند. او تا امشب بمن تلفن خواهد کرد و من به شما اطلاع خواهم داد. من به جناب آقای اسفندیاری اطلاع دادم. بهر حال باید در انتظار لحظارت داغی تا دیدار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر باشیم. مع الوصف اوضاع در مطبوعات پس از اعلام آمدن آقای دولو خیلی بهتر شده است و پس از ۱۵ ماه چون جریان امر از لحاظ قضایی خاتمه یافته است دیگر جایی برای تظاهرات وجود نخواهد داشت.

من در اینجا این تلکس را تمام می‌کنم تا بشود آنرا هرچه زودتر برای شما فرستاد. تلکس بعدی من راجع به سفر من به پاریس خواهد بود. با بهترین و عالیترین احترامات دوستانه

ریموند نیکوله

[۱۳۵۱/۲/۱۴]

[۱۸۱ تا ۱۷۶-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۰]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

(دفتر رمز)

جناب آقای معینان ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

چون پس از ملاقات مدیرکل وزارت خارجه تلفن کرد که مقامات بهداشتی فدرال میل دارند که بدانند آقای دولو در روز به چه میزان تریاک استعمال می‌نماید جان‌نثار با پزشک معالج ایشان در ژنو تماس گرفت. وی اظهار داشت همانطور که وکیل آقای دولو گفته است با پزشک قانونی مذاکره [کرده است] و [او] اطمینان داده که اگر احتمالاً بازپرس قرار توقیف آقای دولو را صادر نماید پزشک قانونی امر به بستری کردن ایشان در بیمارستان خواهد داد، و نیز اظهار نمود که میزان تریاک لازم برای آقای دولو پانزده تا بیست گرم از تریاکی است که صدی ده مرفین داشته باشد. بلافاصله مدیرکل وزارت خارجه را مطلع ساخت ایشان اظهار کردند که مقامات مربوطه را مستحضر خواهند

نمود ولی از منظور و مقصود بازپرس و نقشه‌هایی که دارد و سرو صدائی که احیاناً مجدداً در این باب برپا خواهد شد نگران هستند. و چون دولت فدرال نمی‌تواند هیچگونه دخالتی در امور قضایی نماید و حتی توصیه‌های دولت فدرال مسموع نیست و این بازپرس جوان که کارهای بی‌رویه‌ای نمود. ظاهراً اقوالی که معنی آن عقب‌نشینی یا تکذیب کرده‌های قبلی‌اش باشد نخواهد نمود. بدین لحاظ است که نگرانی‌ها بیشتر بود [ه] و میل دارند که دولت شاهنشاهی را از همین حالا نسبت به وقایع احتمالی مطلع سازند.

آقای رئیس تشریفات که در جریان مذاکرات بود به جان‌نثار خصوصی اظهار داشت که در بدو امر فکر کرده بودم بهترین کار این است که آقای دُولو به ژنو آمده از خود دفاع نماید و در مذاکرات قبلی هم این مطلب را به شما گفتم ولی اینک پس از مطالعه و بررسی موضوع معتقد هستم که یکاش ایشان به ژنو نیامده و احیاناً سروصداها تجدید نشود و جریان از طریق نیابت قضایی تعقیب شود.

استدعا دارد ضمن عرض پای‌بوسی جان‌نثار شرفعرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برسانند.

امروز مدیرکل وزارت خارجه سویس از جان‌نثار خواست که به ملاقات وی برود و در حضور رئیس قسمت ایران اظهار داشت سفیر سویس در تهران گزارش داده است که با آقایان قریب و متقی ملاقات و درباره آقای دُولو مذاکره نموده است. به قراری که به وی گفته شده است قرار است آقای دُولو قریباً به سویس بیاید و چون ایشان دارای یک گواهی از اطبای فرانسه است که مجاز به کشیدن تریاک می‌باشد سفیر سویس از دولت متبوعه خود خواسته است که نسبت به صدور گواهی مشابه از طرف مقامات سویس اقدام شود. رئیس قسمت ایران با بازپرس ژنو در این باب مذاکره به عمل آورد. بازپرس پاسخ داده که این مطلب به وی مربوط نیست. وزارت خارجه باید متوجه باشد که در سویس تریاک جزو مواد طبّی مجاز نمی‌باشد. این اظهار موجب نگرانی وزارت خارجه گردیده و خواسته‌اند که جان‌نثار را از ماجرا مطلع بسازند. جان‌نثار اظهار داشت اگر منظور این است که آقای دُولو به سویس آمده و بلافاصله توقیف و قاضی سروصداهایی که راه انداخته بود تجدید نماید آمدن ایشان به سویس منطقی نخواهد بود مگر اینکه دولت سویس اطمینان بدهد که آقای دُولو که بیمار و سالهاست که معتاد است بعلت اعتیاد گرفتاری پیدا نخواهد نمود. قرار شد که وزارت خارجه با مقامات بهداشت فدرال مذاکره و در باب صدور تضمینی که جان‌نثار خواسته مطالعه نمایند. به قرار تحقیقاتی که جان‌نثار بلافاصله از مقامات قضایی به عمل آورده طبق ماده ۷ قانون فدرال در باب مواد مخدره وارد کردن و حمل و پخش و استعمال هر نوع مواد مخدره در سویس به هر میزان

قاجاق تلقی می‌شود و قانون هیچگونه استثنائی قائل نشده است. جان‌نثار با وکیل آقای دولو مذاکره نموده بقراری که ایشان اظهار نمود آقای دولو قرار است به ژنو آمده در بیمارستان تحت نظر دکتر معالج بستری شود و سپس در صورتی که دکتر مجاز بودند به ملاقات بازپرس برود و اگر بازپرس قرار توقیف برای ایشان صادر نماید طبق قوانین جاریه، پزشک معالج به پزشک قانونی مراجعه و با گواهی پزشک قانونی آقای دولو در بیمارستان بستری شود.

شماره [۱۳۱] غلام جان‌نثار
۵۱/۲/۱۳
محمود اسفندیاری
[۱۹۱ تا ۱۸۶-۵-۲-۱۷۱ الف]

[۱۱]

دربار شاهنشاهی

تلگراف از ژنو

به تهران

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی
پیرو مذاکرات تلفنی امروز با آن جناب و جناب آقای متقی معاون محترم وزارت
دربار شاهنشاهی امروز با نیکوله ملاقات نمودم:
۱. در مورد مذاکره با جناب آقای اسفندیاری سفیر شاهنشاه آریامهر در برن اظهار
داشت روز چهارشنبه گذشته با من تلفنی تماس گرفت و مذاکرات خود را با وزارت امور
خارجه و آقای «وتروالت» مدیرکل وزارت امور خارجه سوئیس در میان گذارد و اظهار
داشت که مقامات وزارت خارجه با آمدن آقای دولو موافق نیستند و اظهار می‌دارند بر
طبق تحقیقی که به عمل آمده بازپرس به محض ورود به ژنو آقای دولو را توقیف خواهند
نمود. جواب دادم که ریسک توقیف آقای دولو را به تهران اطلاع داده‌ام اما نه در فرودگاه
بلکه اگر ریسکی برای توقیف او وجود داشته باشد در حین بازپرسی روشن خواهد شد.
آقای اسفندیاری در جواب من اظهار داشت حالا که بیم توقیف آقای دولو می‌رود چه
اصراری است که ایشان به ژنو بیایند؛ بهتر است از مسافرت او به ژنو خودداری گردد و
در صورت لزوم بازپرسی از وی در تهران انجام شود. به آقای اسفندیاری پاسخ دادم که
همان طوری که در اعلامیه منتشره وعده داده بودم به نظر من برای جلوگیری از ایجاد هر
نوع سوء تفاهم و تبلیغات علیه مقامات دولت شاهنشاهی آقای دولو لازم است که برای
بازپرسی در وقت مقرر به ژنو مسافرت نماید.

نیکوله اضافه کرد که در نتیجه این مذاکرات شایعه شده است که آقای دولو برای بازپرسی نخواهد آمد و این شایعات به اطلاع بازپرس رسیده و این امر باعث شده که بازپرس خود را آماده دست زدن به اقدامات سوء تبلیغات علیه دولت ایران نموده است. اینجانب به نیکوله اطمینان دادم این حرفها صحت ندارد و برنامه همان برنامه‌ای است که قبلاً تعیین شده و آقای دولو در تاریخ مقرر برای بازپرسی به ژنو خواهد آمد و همانطوری که به خود شما هم تلگراف شده مثل یک فرد عادی در محضر بازپرس حاضر می‌شود و خود شما هم که به تهران خواهید رفت. نیکوله اظهار داشت آنچه هست می‌کند این است که آقای اسفندیاری و وزارت خارجه سوئیس با آمدن آقای دولو به ژنو مخالف می‌باشند. ممکن است علت این مطلب آن باشد که در موقع اقامت آقای دولو در سوئیس مقامات وزارت خارجه و آقای اسفندیاری به شرف عرض پیشگاه ملوکانه رسانیده‌اند که به واسطه آنکه آقای دولو دارای مصونیت سیاسی است و در رکاب همایونی به تهران می‌رود تحقیقات لازم را سفیر سوئیس در تهران انجام دهد که این مطلب اصولاً صحیح نیست زیرا سفیر نماینده قوه مجریه [است] و حق دخالت در قوه قضاییه ندارد و حالا هم بدون اینکه به عواقب نیامدن آقای دولو توجه نمایند اصرار می‌کند که نیابت قضایی عنوان و تکمیل پرونده را به مقامات قضایی ایران احاله دهند. نتیجه این خواهد شد که تحقیقات در روز پانزدهم می‌به عهده تعویق افتاد و از آمدن آقای دولو به ترتیب بالا جلوگیری شده. آقای قشقایی هم که وکالت‌نامه را نداده است در این صورت بازپرسی و تکمیل پرونده مدتها به طول خواهد انجامید که این امر از اخراج آقای قریشی، که به او گفته شده اخذ تصمیم در مورد تمديد اقامت او موکول به خاتمه این دادرسی می‌باشد، جلوگیری خواهد شد و اخذ تصمیم در مورد اخراج آقای قریشی به این ترتیب مدتها طول خواهد کشید. در این میان آقای قریشی بهره‌مند خواهد شد و منظور نهایی او عملی می‌گردد و فقط زبانی که خواهد دید همانا نگرفتن دو میلیون فرانکی است که به عنوان وجه الضمان سپرده است.

۲. در مورد اینکه گفته شده روز پانزدهم ماه می در ژنو تظاهراتی برپا می‌گردد به آقای نیکوله توضیح دادم که طبق تحقیقاتی که به عمل آمده است چنین چیزی نیست. نیکوله پاسخ داد او هم تحقیق کرده است و موضوع را تأیید نمود. بنابراین تصور می‌رود که در روز پانزدهم می تظاهراتی انجام نگیرد.

۳. آقای دولو دو اتهام دارد: اول موضوع دادن ۳۵ گرم تریاک به آقای قریشی، و هیچگونه دلیلی برای اثبات این امر در دست ندارد مگر گفته قریشی. دوم استعمال تریاک در هنگامی که در هتل دورون در ژنو اقامت داشته است و به نظر نمی‌رسد که برای این موضوع به مجازاتی بیش از پرداخت مبلغی در حدود ۵۰۰ فرانک وجه محکوم

گردد. نیکوله در حضور من به بازپرس تلفن کرد و مجدداً از او صراحتاً سؤال نمود که آیا در نظر دارد به محض ورود ایشان را توقیف نمایند؟ بازپرس جواب داد خیر نیکوله سپس اظهار داشت به گفته قاضی اطمینان دارد و فکر نمی‌کنند که در این مورد دروغ بگوید.

۴. در مورد اجازه استعمال تریاک برای آقای دولو گزارش شماره ۱۰۴ مورخ ۵۱/۲/۱۶ را که در مورد پرونده خانم علی‌آبادی که به وسیله وزارت امور خارجه به شرف عرض مبارک همایونی رسیده و مقرر شده بود که به جنابعالی تقدیم نمایم و در آن گزارش گفته بودم که در نتیجه مداخله دکتر بوواد پزشک قانونی ژنو در ۴ نوامبر ۱۹۶۰ اجازه کشیدن تریاک به خانم علی‌آبادی داده شده بوده عنوان کردم. نیکوله گفت بسیار اطلاع مبسوطی است چون همین دکتر در حال حاضر نیز پزشک قانونی ژنو می‌باشد و از طرف دیگر استعمال تریاک به بازپرس ارتباطی ندارد و این کار در صلاحیت پزشک است و بازپرس فقط از نظر اینکه برایش ثابت شود که عدم استعمال تریاک باعث به هم خوردن سلامتی و حال متهم می‌شود یا خیر او را به بیمارستان اعزام و مورد آزمایش قرار خواهند داد تا اجازه لازم صادر گردد. در این مورد نیز اقدام شده و این موضوع که آقای اسفندیاری از قول وزارت خارجه سوئیس عنوان کرده که به آقای دولو اجازه استعمال تریاک را به هیچ وجه نخواهد داد، صحیح به نظر نمی‌رسد. نیکوله گفت به آقای اسفندیاری تذکر دادم که هر گونه اقدام و تماس مقامات مختلفه در این مورد با بازپرس زیان‌آور است و اگر اجباری برای توسل به این مقامات هست بهتر است با دادستان تماس حاصل شود نه بازپرس.

۵. به نیکوله گفتم که در تهران به من دستور داده شده که مجدداً به شما یادآور شوم که مسئولیت تام و تمام دارد که به هر صورت و به هر ترتیب که مقتضی داند از موکل خود دفاع نماید تا بیگناهی وی ثابت شود و از او خواستم که مرتباً با پونسه نیز تماس بگیرد. اظهار داشت بهتر است این مطلب را قریشی به پونسه بگوید و پونسه به او مراجعه نماید. به همین ترتیب اقدام کرد و حتی قرار شد مبلغ ده هزار فرانک حق‌الوکاله پونسه از طریق نیکوله تأدیه گردد. نیکوله تقاضا کرد به قریشی بگویم که داشتن سه وکیل و گرفتن حرفهای متناقض فایده ندارد و بهتر است دو وکیل دیگر در اختیار پونسه بگذارند و فقط پونسه مسئول پرونده باشد. به همین ترتیب هم اقدام کردم و به قریشی تذکر دادم بدون اینکه دو وکیل دیگر خود را زخمی و یا به آنها بی‌اعتنایی کند حق‌الوکاله آنها را پرداخت و به آنها فقط در مشورت باشد و به آنها بگوید با پونسه تماس بگیرند.

۶. در مورد اعزام روزنامه‌نگار، نیکوله گفت بهتر است آنها را وقتی به تهران بفرستیم که مناسبت و خبر خاصی باشد. پنج نفر روزنامه‌نگار در نظر گرفته که به محض اطلاع

اعزام خواهند شد.

۷. به نیکوله کاملاً توجه کردم که آقای دولو در زمانی که در التزام رکاب بوده است اکثراً از قطره استفاده می‌کرده و از کشیدن تریاک صرف‌نظر می‌نمود. آقای نیکوله کاملاً توجه نمود ولی گفت بهتر است این مطلب را بعد از بازپرسی عنوان کند چون ممکن است از او بخواهند که فقط از قطره استفاده نماید.

۸ آقای قشقایی، با او مذاکره نمودم. اینکه وکالتنامه را امضا نمی‌نمود گفت:

الف) تاکنون هیچ‌گونه مراجعه‌ای از طرف هیچ مقامی به او نشده است و اگر وکالتنامه را امضا نماید مصداق «عسس مرا بگیرد» خواهد بود.

ب) گفت اینکه عنوان شده از طرف مقامات سوئیس برای من ورقه احضار یا جلب صادر گردیده گرچه هنوز اطلاعی ندارم ولی گفته شده که مقامات آلمانی گفته‌اند چون جرم در خاک آلمان واقع شده رسیدگی آن در صلاحیت مقامات قضایی آلمان می‌باشد. در این صورت اگر من وکیل تعیین کنم مشکلاتی برای من آلمانها ایجاد خواهند نمود.

ت) گفت عنوان کرده‌اند که من باعث این گفتاری شده‌ام تا در نزد مقامات مربوط علیه مقامات مملکتی اظهاراتی بنمایم. این مطلب کذب محض می‌باشد و هرگز چنین مطلبی در بین نبوده است. این مطلب ساخته قریشی است (با نیکوله مذاکره کردم او هم گفت ظاهراً این مطلب که قشقایی قصد دارد علیه مقامات مملکتی حرفی بزند پونکت از قول قشقایی به او گفته است). پس از مذاکرات مفصلی که انجام شد استنباط نمودم به واسطه گرفتاریهای فوق‌العاده که در آن نمی‌تواند تصمیم بگیرد و قصد معامله دارد به او گفتم چون دقیقاً اطلاع دارم که برای تو اختطاری ارسال شده و نمی‌خواهم از نظر انسانی برای تو به واسطه امضای این وکالتنامه مشکلی ایجاد کنم مختار هستی که آن را امضا کنی یا خیر. در هر صورت من در ژنو با وکیل مذاکره می‌کنم تا مطمئن شوم که امضای این وکالتنامه برای تو ایجاد مشکلی نمی‌کند. امروز در این مورد با نیکوله صحبت کردم معلوم شد که احضار با حکم توقیفی که جهت ابلاغ به او فرستاده‌اند رؤیت شده بدون اینکه به او ابلاغ شود، و قرار شده به دادسرای مونیخ برای استنطاق او نیابت قضایی تنظیم گردد.

بلافاصله با قشقایی تماس گرفتم و او هم وکالتنامه را امضا نمود و از نقطه نظر اطمینان قرار شد نامه‌ای به وکیل خود آقای کپلر بنویسد که وکالتنامه را می‌فرستم و بگویند که چون در پرونده قریشی نامی از من برده شده به این واسطه به موجب وکالتنامه ارسالی او نزد بازپرس برود و توضیحات لازم اخذ و بدهد.

بلافاصله یک نفر را فرستادم که امشب ساعت ۲۲ وکالتنامه را بیاورد. فردا صبح آن را به نیکوله می‌دهم که کپلر برود و اقدامات لازم را انجام دهد.

۹. به طرف مورد نظر گفتم که امروز صد هزار فرانک بدهد. قرار است تهیه و تحویل نماید ولی از نقطه نظر فوریت کار ۲۵۰۰۰ فرانک برای آقای فهیمی به آلمان فرستادم که به آقای قشقایی بدهد و بگوید از او قبض رسید پانصد هزار ریال بابت بدهی خود از سرکنسولگری دریافت داشته است.

ب) فردا مبلغ بیست هزار فرانک به آقای نیکوله خواهم داد و همچنین مبلغ ده هزار فرانک هم به نیکوله می‌دهم که به پونسه بدهد در این صورت، به طوری که ملاحظه خواهند فرمود، به آقای نیکوله جمعاً ۷۰۰۰۰ فرانک پرداخت شده است.

۱۰. نیکوله گفت در مورد اینکه قبلاً گفته بودم از تهران از طریق پاریس مراجعت می‌کنم چون اطمینان پیدا کرده‌ام مشکلی به وجود نخواهد آمد لهذا مستقیماً از تهران به ژنو خواهم آمد.

۱۱. راجع به مریضخانه از روز جمعه ۲۲ مه و تهیه اتومبیل نیز اقدام گردیده است. به طوری که ملاحظه خواهند فرمود کلیه مطالبی که در تهران به من دستور داده شده بود تقبل نمایم بآمال انجام گرفته و امیدوار هستم که با مشکلی مواجه نشوم. خواهشمندم دستور فرمایید مفاد این گزارش [را] تأیید نمایند.

شماره ۱۰۷ با عرض احترام

خوانساری ۵۱/۲/۱۸

[۱۰ تا ۳-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۲]

دربار شاهنشاهی

اداره رمز و محرمانه

کشف تلگراف رمز سفارت شاهنشاهی - برن

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی

امروز صبح رئیس تشریفات مدیرکل وزارت خارجه و رئیس قسمت ایران را در دفتر رئیس تشریفات ملاقات و مذاکرات زیر را نموده:

۱. خطوط کلی برنامه تشریف‌فرمایی موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را به نحوی که در کمیسیون مذاکره شد به استحضار آنان رساند. رئیس تشریفات از اینکه نظریات دولت فدرال مورد توجه قرار گرفته اظهار خوشوقتی و تشکر نموده و قرار شد جزئیات برنامه متعاقباً به اطلاع وی برسد.

۲. در باب آقای دولو به استحضار آنان رساند که ایشان بدون داشتن هیچ گونه شغل و مقامی برای دفاع از اتهام وارده و ادای توضیحات به ژنو خواهد آمد و با دستیاری و کیلی که دارند به بازپرسی مراجعه و جریان امر طبق مقررات کانتون ژنو بدون اینکه مقامات رسمی دولت ایران دخالتی داشته باشند انجام خواهد شد. با توجه به روابط حسنه موجود انتظار دولت متبوع اینجانب این است که مطبوعات و محافل سوئیس و ژنو متوجه شوند که دولت ایران برای اینکه دادگستری ژنو بتواند رسیدگی خود را بدون هیچ گونه مانعی انجام دهد چنین ترتیبی را داده است، و به علاوه، جریان اتهام وارده به آقای دولو ابدأ ارتباطی با هیچ یک از مقامات ایران نداشته و ندارد. ایشان فردی از افراد ایرانی هستند که مورد اتهام قرار گرفته‌اند و دادگستری به آن رسیدگی خواهد کرد.

آقای رئیس تشریفات گفت اگر وزارت خارجه نگرانی ابراز نماید برای این بود که تصور می‌رفت آقای دولو با حفظ ارتباطی که با دربار شاهنشاهی دارد به سوئیس خواهد آمد و در چنین صورتی چون وزارت خارجه تکلیفی دارد وضع مشکلی پیش می‌آید ولی اکنون که تصمیم گرفته شد ایشان مثل یک فرد عادی به سوئیس بیاید وزارت خارجه دیگر تکلیفی نخواهد داشت. اینجانب اظهار نمودم تکلیف وزارت خارجه این است که مراقبت کامل نسبت به مطبوعات بنماید و از انتشار اخبار خلاف واقع و تخیلات عده‌ای بیمار فکری جلوگیری به عمل آورد. آقای مدیر کل گفت خودتان اطلاع کامل از وضع دولت سوئیس و مطبوعات دارید و می‌دانید که دخالت وزارت خارجه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

اینجانب اظهار داشتم البته شاید چنین باشد ولی کسی انتظار دخالت مستقیم و علنی را ندارد و غیرمستقیم و از راههایی خودتان بهتر می‌دانید می‌توانید اقدام کنید. به علاوه، عمل دولت متبوعه اینجانب مستمسک خوبی به دست شما می‌دهد که همه جا اعلام کند که آنچه تا به حال گفته شده که وزارت خارجه برای خاطر مقامات ایران می‌خواهد دادگستری ژنو را خفه کند حرفی پوچ و بی‌اساس بوده زیرا متهم با پای خود و مانند فرد عادی نزد قاضی می‌رود و مورد هیچ حمایتی جز حمایت دولت قرار نخواهد گرفت. آقای رئیس تشریفات گفت شاید سخنگوی وزارت خارجه بتواند اعلامیه یا مصاحبه‌ای [ای] در این زمینه ترتیب دهد. باید موضوع و عکس‌العمل آن را مورد مطالعه قرار دهیم. اینجانب پیشنهاد کردم علاوه بر انتشار اعلامیه که بسیار نظر خوبی است اگر یکی از وکلای مجلس نیز شرحی در همین زمینه در مجلس بگوید اثر بسزایی خواهد داشت. به هر حال انتظار این است آنچه لازمه دوستی و مودت است در چنین موقع دریغ نشود. وعده کردند که موضوع را جداً مورد مطالعه و اقدام قرار دهند. ضمناً توضیح نمودند که آقای دولو هنگام ورود به سوئیس مراقبت داشته باشند که جز داروهای لازم

هیچ گونه اسباب و لوازمی که مربوط به کشیدن تریاک باشد شخصاً همراه نداشته باشند تا قاضی با استفاده از آنها نتوانند ایجاد مزاحمت بیشتری بنمایند.

قرار شد وکیل آقای دولو هم اگر کمی برای جریان کار تقاضا داشته باشد به آن توجه شود و رئیس اداره ایران هم از مجرای رئیس اداره مواد مخدره دولت فدرال با در نظر گرفتن وضع مزاجی آقای دولو لزوم توجه به اعتیاد ایشان به پزشک قانونی کانتون ژنو توصیه نماید که در حدود مقررات تسهیلات لازم را معمول دارند. با تقدیم مراتب اخلاص و ارادت.

محمود اسفندیاری

[۱۳۵-۲۰/۲/۵۱]

[۵۳ تا ۴۹-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۳]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرمتمی

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

گزارش امور را به آقای خوانساری اطلاع دادم؛ ایشان هم به نوبه خود اخبار بسیار خوب را به اطلاع شما رسانیدند.

جلسه امروز صبح با روبرو کردن آقای دولو و قریشی ادامه یافت. آقای قریشی در ادعای اول خود اظهار داشت که طبق درخواست آقای قشقایی سه مرتبه به آقای دولو تلفن کرده و از او درخواست تریاک کرده است و آقای دولو درخواست او را رد کرده است. در تاریخ دوازده سپتامبر آقای قریشی به هتل دورون رفته و وارد سالن آپارتمان آقای دولو شده است. آقای دولو به او بسته‌ای را روی میز نشان داده که او نیز آن بسته را برداشته است.

امروز صبح آقای قریشی گفت که سه بار با آقای دولو صحبت کرده ولی آقای دولو تقاضای او را رد کرده است. روز دوازده سپتامبر به هتل دورون رفته در آنجا در سالن آقای دولو در حدود پانزده نفر بودند. آنجا روی میز یک بسته مشاهده نمود و تصور کرد که همان تریاک مورد درخواست او می‌باشد. در عوض اظهار می‌دارد که آقای دولو در این باره به او چیزی نگفته است.

قاضی از قریشی سؤال کرد چه کسی بسته را در آنجا گذاشته بود. قریشی پاسخ داد موضوع این است که توطئه‌ای علیه اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در کار بوده است.

قاضی از او سؤال کرد که چه کسی در آن روز نزد آقای دولو بوده است. قریشی چندین نفر را نام برد.

واضح و بدیهی است که آقای قریشی هرچه از دهاش می‌گذرد می‌گوید و از این بابت قاضی را عصبانی کرد و قاضی او را دروغگو خطاب نمود.

جلسه به بهترین نحوی خاتمه یافت. برای آقای دولو خیلی خوب بود و هنگام خروج از جلسه قاضی دست آقای دولو را فشرد.

پس از رفتن ما جلسه ادامه پیدا کرد. آقای جانشین دادستان کل یعنی آقای موک یا بازجویی جزایی علیه آقای قریشی آغاز کرد. اتهام وارده به قریشی افترا و تهمت علیه آقای دولو می‌باشد. این بازجویی به یک قاضی بازپرس دیگر محول خواهد شد و قاضی مزبور در تاریخ نامعلومی آقای دولو را به عنوان شاهد استماع خواهد نمود. این تصمیم دال بر آن است که دادستان کل و قاضی بازپرس به بیگناهی آقای دولو اطمینان کامل دارند.

آنچه که مربوط به خود ما است من به هدفهایی که داشتم رسیده‌ام: اثبات بیگناهی آقای دولو به ثبوت رسانیدن اینکه دربار شاهنشاهی به هیچ وجه، نه از نزدیک و نه دورادور در قاچاق مواد مخدره، هر چقدر هم مقدار آن ناچیز بوده باشد، دست نداشته است.

من باید بگویم که آقای دولو عامل غیرقابل انکار نتایج حاصله از جریان امروز می‌باشد. اظهارات او قانع‌کننده و مقرون به حقیقت بود و شخص او بی‌اندازه جذاب بود. او از ترک خاک سوئیس نخواهد خورد ولی ما از رفتن او افسوس می‌خوریم. با تقدیم عالیترین مراتب احترام و دوستی

ریموند نیکوله

[۵۳۰ و ۵۲۹-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۴]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرمقی

معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

تهران

پیرو تلگراف ۱۲۰ و ۱۲۱ و مذاکرات تلفنی امروز اشعار می‌دارد:

۱. در ساعت ۱۳/۴۰ آقای نیکوله که از دادگستری خارج شده بود تلفنی به طور خلاصه خبر پایان یافتن بازپرسی از آقای دولو را اعلام کرد و قرار گذاشت اطلاعات

دقیقتی در ساعت ۱۵/ در اختیار من بگذارد. در ساعت ۱۵/ اظهار داشت که بازپرسی از آقای دولو و همچنین مواجهه ایشان با آقای قریشی خاتمه یافته و آنچه مربوط به آقای دولو می باشد تمام شده است.

۲. در مورد آقای قریشی اظهار داشت به نظر من قریشی دیوانه است و حرفهای احمقانه زیادی را در مواجهه عنوان کرده؛ از جمله گفته است که تمام این جریانات دسایسی بوده که علیه شاهنشاه و رژیم ایران و علیه قریشی برپا شده است و از طرف دیگر برخلاف گفته سابق خود این بار قریشی به قاضی گفته که بسته را از روی میز آقای دولو وقتی که کسی در اطاق نبوده برداشته است و همچنین قریشی به قاضی گفته که منشی سرکنسولگری اسامی کسانی را که در اطاق آقای دولو بوده می داند و قاضی می تواند از او اسامی اشخاص را بپرسد. نیکوله این مطالب را مفصلاً مستقیماً تلکس کرده است.

۳. در مورد اصل پرونده، نیکوله اظهار داشت دو مطلب اساسی به طور مثبت انجام گردیده، یکی خارج شدن اسم دربار شاهنشاهی از پرونده و دیگری خارج شدن آقای دولو از آن

۴. آقای قریشی در ساعت ۱۳/۳۰ از کاخ دادگستری به من تلفن کرد و اظهار داشت متأسفانه برای من مشکل تازه ای ایجاد کرده اند و با گفتن اینکه من سرهنگی را در تهران لو داده ام اسم تسلیحات ارتش را به میان آورده اند و من فعلاً در توقیف دادگستری هستم تا وکیل من از من دفاع کند و مرا خارج نماید. به آقای قریشی گفتم که ما جز حقیقت چیزی را نمی خواهیم و مطمئن باشید که همانطور که بارها به شما گفته ام ما علاقه مندیم که حقیقت آشکار شود و شما مخیر هستید که هر چه می خواهید عنوان کنید. مطمئن هستم امروز شما آزاد خواهید شد؛ بعد از آزادی، مرا ملاقات نمایید تا راجع به جریانات صحبت کنیم.

۵. در ساعت ۱۶/۳۰ آقای قریشی به منزل من آمد. گرچه فوق العاده ناراحت و عصبانی بود ولی گفت هر چند مذاکرات آقای دولو به زیان من تمام شد و به هیچ وجه، نه خودش و نه وکیلش، با من همکاری ننمودند مع هذا از اینکه دیگر نامی از دربار شاهنشاهی در این پرونده برده نمی شود برای من کافی است و از این بابت خیلی خوشحال است و افتخار می کند.

۶. در مورد اینکه آقای دولو عنوان کرده است که قریشی در چندی قبل سرهنگی را که در معاملات مختلف بوده است لو داده و باعث گرفتاری او شده اظهار داشت قاضی از من سؤال کرد که جزئیات امر چه بوده و چطور شما سرهنگی را لو داده اید. گفتم از نقطه نظر مصالح عالیه مملکت و از اینکه چنانچه وارد جزئیات می شدم گرفتاریهای

تازه‌ای به وجود می‌آمد و پرونده به مسیری دیگر می‌رفت اظهار کردم این مسائل مربوط به کارهای داخلی ایران است و اینکه دولو اظهار می‌کند که عریضه را تقدیم نموده و مرا نجات داده که بتوانم به ایران برگردم صحیح نیست بلکه من عریضه را به وسیله وزیر خارجه وقت که از دوستان من است تقدیم شاهنشاه نموده‌ام که مقرر فرمودند و رسیدگی شد و اجازه اینکه به ایران برگردم صادر گردید. وکیل آقای دولو موضوع را بیش از آنچه بوده جلوه می‌داد تا ثابت کند که من آنچنان آدمی هستم که می‌خواهم پیشخدمت مخصوص پادشاه را لکه‌دار کنم که خدای نکرده از این راه به احترامات دربار شاهنشاهی لطمه‌ای وارد شود و مرا با خسرو قشقایی دشمن پادشاه و رژیم مملکت خطاب می‌نمود، در صورتی که برای همه کس حتی شاهنشاه ایران روشن است که من در همه حال و همه جا خدمتگزار و علاقه‌مند و مطیع بوده‌ام و به کرات این موضوع به ثبوت رسیده است. نیکوله به وسیله قاضی عنوان می‌نمود که من همیشه به قشقایی پول می‌داده‌ام. گفتم که من ۳۵ سال است این فامیل را می‌شناسم و در روزهای بدبختی به من مراجعه می‌نمودند و مادرش به علت شکستگی پا و عمل چشم احتیاج داشت و به همان دلیل من به آنها کمک می‌نمودم.

۷. در مورد اینکه آقای نیکوله گفته که آقای قریشی در مذاکرات خود نام منشی سرکنسولگری در ژنو و یا افراد دیگری را برده است آقای قریشی اظهار کرد که چون بازپرس از من سؤال کرد که چه اشخاصی در اطاق آقای دولو بودند موقعی که شما مراجعه نمودید اظهار داشتم اشخاص مختلف و زیادی در آپارتمان آقای دولو رفت و آمد می‌نمودند و چون من همه آنها را به خوبی نمی‌شناسم گفتم از خانم حسامی منشی سرکنسولگری و یا آقای فیروز و همسرش که روز یکشنبه ناهار در هتل دورون بودند فقط می‌توانم نام ببرم و اگر چنانچه اسامی دیگری می‌خواهید تا بروم و تحقیق کنم چه اشخاص دیگری در آن روز حضور داشتند.

۸. در مورد اینکه آقای نیکوله اظهار می‌کند که در دفترچه یادداشت آقای قریشی نام مستعار آقای دولو، پل بوده است آقای قریشی اظهار می‌کند که به قاضی گفته است که من اسامی دوستانم را همیشه با نامهای مختلف در دفترم یادداشت می‌نمودم و این کار اصولاً در تجارت مرسوم است و من چون با آقای دولو کارهای تجارتي داشتم و ایشان هم قبول نموده بودند که کارهای ما را توسط دکتر اشلوترار تعقیب کند به این جهت نام مستعار به بالا را با اطلاع خودشان تعیین کردم که آقای دولو امروز در محضر بازپرس این مطلب را تکذیب و اظهار داشت که همیشه تو را نصیحت می‌نمودم که از معامله تسلیحات دست بردار چون برای تو جنبه خوشی ندارد.

۹. بعد از پایان بازپرسی هفت نفر بازرس به اتفاق آقای قریشی به بانک رفته و

صندوقهای امانت ایشان را بازدید نموده‌اند که کوچکترین مدرکی علیه ایشان به دست نیاوردند.

۱۰. برای آقای قریشی حکم توقیف مجدد صادر نموده بودند که با مذاکرات وکیل با دادستان اجرای حکم معلق شد و قرار شد که آقای قریشی فردا ساعت ۱۰/۳۰ خود را برای ادامه بازپرسی در محضر بازپرس معرفی کند.

۱۱. موضوع پرونده تریاک در حال حاضر نزد بازپرس خاتمه یافته و باید منتظر تحقیقات قشقای بود که صورتجلسه نیابت قضایی برسد و تا چند روز دیگر قرار منع تعقیب صادر خواهد شد.

۱۲. پرونده دیگری برای قریشی به عنوان اتهام ناروا به آقای دولو در دادگستری تشکیل گردیده و قرار است بازپرس دیگری امشب تعیین و فردا ساعت ۱۰/۳۰ از آقای قریشی تحقیقات لازم را به عمل آورند.

۱۳. امروز پزشک تعیین شده از طرف بازپرس از آقای دولو دیدن کرد و معاینات لازم را به عمل آورد و فردا ساعت ۱۰/۰۰ قرار است آزمایش خون را نیز انجام دهد تا بتواند گزارش خود را در مورد اجازه داشتن آقای دولو از استعمال تریاک تسلیم بازپرس نماید.

۱۴. همان طوری که تلفنی اطلاع فرمودید مبلغ بیست هزار فرانک به آقای نیکوله پرداخت شد و به او گفته شد که ده هزار فرانک که جهت آقای پونسه نزد ایشان است نیز مربوط به خود ایشان می‌باشد.

خوانساری

۱۲۲-۱۳۵۱/۲/۲۵

[۵۳۸ تا ۵۳۴-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۵]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای اسدالله علم وزیرمحرّم دربار شاهنشاهی

آقای دولو و خانم امروز عصر در ساعت ۱۸ ژنورا به قصد پاریس ترک نمودند و قرار شد بعد از دو روز توقف در پاریس به تهران مراجعت فرمایند.

گواهی پزشک قانونی دایر بر اینکه به واسطه کسالت‌های گوناگونی که آقای دولو دارند و نمی‌توانند به جای استعمال تریاک داروی دیگری مصرف نمایند بر ایشان ثابت شد که به موجب آن به ایشان اجازه داده می‌شود که هر وقت به سوئیس می‌آیند هر مقدار تریاک که برای احتیاج خود لازم دارند همراه آورده و برای مدتی که در سوئیس هستند مصرف

نمایند. جزئیات کارهای مربوط، چه تلگرافی و چه تلفنی، به اطلاع جناب آقای امیرمتقی معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی رسیده است. از مبلغ چهارصد هزار فرانک که در اختیار اینجناب گذارده شده مبلغ [مبالغ] زیر طبق دستور پرداخت گردیده است:

۱. آقای نیکوله نود هزار فرانک (ده هزار فرانک برای کپلر)
۲. برای آقای فهیمی به مونیخ بیست و پنج هزار فرانک
۳. شرکت هواپیمایی ملی ایران بیست و پنج هزار فرانک
۴. دکتر فورنت وسیله آقای دولو ده هزار فرانک
۵. دکتر فورنت مسافرت به تهران چهار هزار و پانصد فرانک
۶. آقای مستوفی دو هزار و پانصد فرانک

پول هتل، بیمارستان، اتوموبیل و همچنین حساب شرکت هواپیمایی ملی ایران در ژنو و پاریس پس از وصول صورت حسابهای مربوطه بلافاصله تسویه و مبلغ آن به عرض خواهد رسید.

به طوری که ملاحظه خواهند فرمود وظایفی که به عهده من واگذار شده تماماً طبق آنچه که خواسته شده بود انجام یافته است. متمنی هستم دستور فرمایند اولاً با بقیه وجهی که در اختیار من است به چه حسابی منظور نمایم، ثانیاً در صورتی که اوامر دیگری باشد امر به ابلاغ فرمایند. سلامتی و توفیق سرور ارجمند را از خداوند متعال مسئلت دارم.

با عرض احترام

پرویز خوانساری

۵۱/۲/۲۷-۱۳۳

[۵۵۸ و ۵۵۷-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۶]

دربار شاهنشاهی

خیلی خیلی فوری

ژنو

جناب آقای پرویز خوانساری

سفیر شاهنشاه آریامهر - ژنو

تلگراف جناب عالی به شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه



دربار شاهنشاهی

تلگراف از _____

شماره _____

به _____

تاریخ _____

۲۷، ۶، ۱۳۰۵

۲۰۱۴

خیلی خیلی فوری

ژنو

جناب آقای پرویز خوانساری

سفیر شاهنشاه آریامهر - ژنو

تلگراف جناب عالی بشرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت

همایون شاهنشاه آریامهر رسید . امر مطاع شرفصد دریافت همه
افراد یکه بوسیله باز پرس اخطاریه دریافت کرده اند بایست در
محضر باز پرس حاضر بشوند البته طبق نظر و با مشورت با آقای نیکله
لذا جناب عالی بهمه خانمها و آقایان روز و تاریخ را اطلاع بفرمائید
و قبلا هم خانمها و آقایان اگر لازم باشد در یک جلسه باینکله
تبادل نظر کنند که هر طور نیکله نظر داد جواب باز پرس را بدهند
جناب عالی هم قبلا همه خانمها و آقایان را روشن بفرمائید که موضوع
چیست و فقط این حضور پیش باز پرس بیشتر جنبه تشریفاتی دارد .

سپاسگزارم . ف

وزیر دربار شاهنشاهی

۵۰۱ - ۲۰۵ - ۱۷۱ - اف

اسداله علم

آریامهر رسید. امر مطاع شرف صدور یافت همه افرادی که به وسیله بازپرس اختطاریه دریافت کرده‌اند باید در محضر بازپرس حاضر بشوند، البته طبق نظر و با مشورت با آقای نیکله. لذا جناب عالی به همه خانمها و آقایان روز و تاریخ را اطلاع بفرمایید و قبلاً هم خانمها و آقایان اگر لازم باشد در یک جلسه با نیکله تبادل نظر کنند که هر طور نیکله نظر داد جواب بازپرس را بدهند. جناب عالی هم قبلاً همه خانمها و آقایان را روشن بفرمایید که موضوع چیست و فقط این حضور پیش بازپرس بیشتر جنبه تشریفاتی دارد.

سپاسگزارم.

وزیر دربار شاهنشاهی

اسدالله علم

[۱۳۵۱/۶/۲۷]

[۵۰۱-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۷]

دربار شاهنشاهی

[۱۳۵۱/۷/۱۴]

آقای نیکله

دوست بسیار عزیزم

در این چند روز چهار تلکس از جناب عالی دریافت کردم که چون به هم ارتباط داشت صبر کردم تا یک جا جواب بدهم و حالا که نتیجه روشن شده به ترتیب جواب می‌دهم:

۱. در مورد بازجویی از ۱۲ نفر که خاتمه یافت و باید از آقای قاضی وبر و جناب عالی سپاسگزاری کرد. البته جریان جناب آقای انصاری هم زیاد مهم نیست چون ایشان به علت داشتن عنوان سفیر کبیر کمی از شرکت در این جلسه ناراحت بودند. به هر حال کار خاتمه یافته است.

۲. در مورد کار آقای قریشی فکر می‌کنم خود جنابعالی با آقای پونسه کمک بفرمایید که به هر صورت حل بشود و شرکت دادن شخص دیگری لازم نیست.

۳. خواهشمندم از آقای دادستان ژنو، از آقای دکتر، از آقای قاضی وبر صمیمانه سپاسگزاری کنید و من بدینوسیله رسماً از این آقایان دعوت می‌کنم که از ایران بازدید کنند. البته بعد از آنکه قبول کردند ترتیب بلیط و برنامه مسافرت آقایان را خواهم داد، ولی فقط احتیاج دارم که قبلاً تاریخی را که میل دارند از ایران بازدید کنند دو هفته قبل اطلاع دهند.

۴. در مورد بازدید جناب عالی و آقای قاضی دوسه از ایران آخر ماه اکتبر بسیار مناسب است. فقط به من اطلاع بدهید چه مدت وقت دارید در ایران اقامت نمایید تا برنامه بازدید آقای دوسه و شما را از شهرهای دیدنی ایران بدهم و برای بلیط هم وقتی اطلاع دادید که مدت اقامت چند روز خواهد بود به آقای نصیری رئیس هواپیمایی ملی در ژنو دستور می‌دهم که دو بلیط درجه یک ژنو - تهران - ژنو در اختیار جناب عالی و آقای قاضی دوسه بگذارد.

۵. البته اگر آقایان دادستان ژنو، قاضی وبر، و دکتر هم دعوت به ایران را قبول کردند باز ترتیب بلیط درجه یک و برنامه مسافرت ایشان بعد از آنکه از تاریخ بازدید از ایران و مدت اقامت مطلع شدم خواهم داد.

۶. من فکر می‌کنم بعد از خاتمه پرونده امیرهوشنگ و قرار دادستان لازم است یکی از مقامات قضایی ژنو، حالا هر کس که مصلحت باشد یا قاضی وبر و یا دادستان، بیگناهی آقای امیرهوشنگ دولو و ختم این جریان را طی یک اعلامیه یا اطلاعیه یا به هر صورت که مصلحت می‌دانند به طور مختصر در اختیار جراید قرار دهند. خواهشمندم نظر خودتان را اعلام فرمایید. از زحمات جناب عالی سپاسگزارم و منتظر هستم که شما مدتی را که می‌خواهید در ایران بمانید اطلاع دهید.

با گرمترین احساسات دوستانه

معاون وزارت دربار شاهنشاهی در امور داخلی

امیرمقی

[۴۶۳ تا ۴۶۱-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۱۸]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرمقی

معاونت محترم وزارت دربار شاهنشاهی

دوست عزیز

چند روزی است که به سوئیس بازگشته‌ام. اکنون ما بهتر احساس می‌کنیم تا چه اندازه مورد لطف و محبت شما قرار گرفته بودیم زیرا توانستیم به لطف و مرحمت حضرت عالی کشور فوق‌العاده زیبای شما را در شرایط استثنایی مورد بازدید قرار دهیم.

شرایط مسافرت و اقامت ما به حد اکمل عالی بود ولی آنچه بیشتر از همه توجه ما را جلب کرد مهمان‌نوازی صمیمانه شما بوده که ما را تحت تأثیر قرار داد، و زیبایی مناظر

André LEYVRAZ
Chef de la Police
Hôtel de Police

Genève, le 17 octobre 1972

1211 - GENEVE 8

Monsieur Amir H. MOTAGHI
Vice-Ministre de la Cour Impériale
Ministère de la Cour Impériale
Palais de Sadabad

TEHERAN

Iran

Monsieur le Ministre et cher ami,

De retour depuis quelques jours en Suisse, nous mesurons mieux combien notre privilège a été grand de visiter votre magnifique pays dans des conditions, grâce à vous, exceptionnelles.

Les circonstances de voyages et de résidences furent parfaites mais c'est l'accueil, l'hospitalité du coeur, qui nous ont particulièrement émus. Partout, ce fut un enchantement encore parachevé par les beautés du paysage, les vestiges archéologiques ou historiques, les contacts culturels. J'ai été personnellement ravi de constater le développement extraordinaire accompli dans tous les domaines, depuis 8 ans, date de mon dernier voyage et je m'en réjouis pour votre pays.

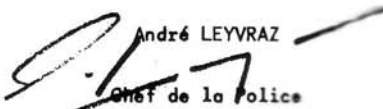
Nous gardons ma femme et moi un splendide et profond souvenir de notre séjour si parfaitement organisé par vos soins diligents. Nous vous aurions gré de bien vouloir transmettre nos sentiments de sincère reconnaissance à son Excellence ALAM, ministre de la Cour Impériale pour les attentions dont il nous a honorés.

Cé sont, Excellence, des amis de votre pays, pleins de gratitude qui vous témoignent leur sincère reconnaissance.

Ils espèrent que l'avenir leur permettra de conserver vivantes ces heures enchantées, mais aussi de les faire revivre par des contacts personnels.

Nous vous prions de croire, Monsieur le Ministre et cher ami, à notre parfaite considération et à nos sincères amitiés.

(بف) - 17/10/72 - 427


André LEYVRAZ
Chef de la Police

ایران باقیمانده‌های بناهای تاریخی باستانی و تماشای فرهنگ‌های همه اینها ما را مجذوب ساخت.

من شخصاً از توسعه فوق‌العاده و پیشرفت ایران در عرض هشت سالی که از تاریخ آخرین سفر من می‌گذرد مبهوت شدم.

همسر من و خود من خاطره شگفت‌انگیز و عمیق از اقامت خود در ایران با خود به همراه آورده‌ایم زیرا سفر ما به بهترین وجهی ترتیب داده شده بود و ما از هر لحاظ مورد لطف و مراحم شما قرار گرفتیم.

استدعا دارم مراتب احساسات صمیمانه و سپاسگزاری ما را به حضور جناب آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی ابلاغ فرمایند و ما از مراحمی که به ما کردند مفتخر هستیم. عالیجناب، ما دوستان کشور شما هستیم و مراتب سپاسگزاری صمیمانه خود را به عرض شما می‌رسانیم. ما دوستان ایران امیدواریم که آینده به ما اجازه خواهد داد این ساعات سحرآمیز که در کشور شما گذرانیدیم در خاطر خود زنده نگهداریم و همچنین دوباره این خاطرات را با تماشای شخصی زنده گردانیم. دوست عزیز و جناب آقای وزیر، استدعا داریم مراتب عالیترین احترامات و صمیمانه‌ترین دوستی ما را بپذیرید.

[در حاشیه:] به شرفعرض مبارک رسید

آندره لوارز رئیس پلیس [ژنو]

۱۷ اکتبر ۱۹۷۲

[اسدالله علم]

[۴۲۶ و ۴۲۵-۲-۱۷۱-الف]

۱۳۵۱/۸/۲

[۱۹]

H-GORESCHI

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی

۲۳ آبان ۱۳۵۱

محترماً به استحضار عالی می‌رساند که در اجرای اوامر صادره در مورد گرفتاری غیرمنتظره همان طور که ضرورت داشت اقدام لازم به عمل آمد و بنده نیز در دفاع از خود و روشن نمودن حقایق تا جایی که لطمه به هیچ یک از دوستان وارد نشود اقدام کردم و توصیه‌هایی که فرموده بودید و به بنده ابلاغ شد کاملاً به همان ترتیب عمل گردید که جمعاً به استحضار عالی رسانده شده است و باز هم این رویه ادامه خواهد داشت و هر امری که صادر بفرمایید و هر اقدامی که لازم باشد روی ایمان و اعتقادی که به نظریات خیرخواهانه جناب عالی دارم عمل خواهم کرد. و بسیار مفتخر و خوشحالم که مورد عنایت و لطف جناب عالی قرار گرفتم و با استظهار به عنایات همیشگی شما که ثابت فرمودید نسبت به ارادتمندان پابرجا هستید بتوانیم خدمتگزار صدیق باشم. روی



امیرهوشنگ امیرمتمقی، یک زن ایتالیایی و اسدالله علم در خرابه‌های کولوسئوم شهر رم [۳۰۲۹-۱-پ]

این اعتقاد به جناب عالی تا حال در مورد پیشامد تأسف آور هیچ اقدام دیگری جز آنچه به عرض جناب عالی رسانده شد انجام ندادم و تمام سعی بنده در حفظ حیثیت دوستان بود که البته به عرضتان رسیده. علاوه بر آن، همان طور که عرض کردم هیچ وقت توقعی نداشته و نخواهم داشت و اگر خدمتی ارجاع بشود آن هم صادقانه در راه نشان دادن خدمت بیشتر خواهد بود.

اما راجع به امور آستان قدس، در عرض این مدت در تماس دائم با مشهد بودم و آنچه خواستند عمل کردم و اینک قصد شکایت ندارم فقط برای استحضار خاطر عالی عرض می‌نمایم که آنچه بنده می‌فهمم قدرت تصمیمشان کم است و دائم در حال تردید هستند. و تا حال در مورد کارخانه نساجی که باید با چکسلواکی معامله شود توفیق حاصل نشده و هر روز مطالبی در مورد قیمت و یا سایر شرایط عنوان می‌شود که با اصل معامله نمی‌خواند. این معامله در مجموع شرایط از دو طرف باید مورد مطالعه و مذاکره حضوری قرار گیرد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط از سایر مؤسسات قیمت گرفت و مقایسه کرد، مثلاً چکها قبول کردند که سی درصد محصول را بابت اصل قیمت کارخانه هر سال صادر نمایند و حتی در مذاکرات شفاهی اظهار کردند که خارج از قرارداد هم مقداری اضافه بر این صادر خواهند کرد و یا اینکه بهای کارخانه به اقساط ۱۰ ساله با بهره دو درصد بگیرند و همچنین سایر شرایط که قابل این است که مورد توجه قرار گیرد. پس از اینکه با آستان [قدس] در کلیات مذاکره شد دیگر به هیچ وجه در مورد جزئیات و یا تنظیم پیش‌نویس قرارداد جوابی از آستان قدس نرسیده، و بیش از شش ماه است که مرتب پیغام می‌دهند که نمایندگان چکها به تهران بیایند بدون اینکه باز مذاکرات قبلاً مشخص شده باشد، و تصدیق می‌فرمایید که برای بنده که سابقه تجار تیم در اروپا روشن است شایسته نیست که برای مطلب نامعلوم یک عده از چکها را روانه تهران کنم بدون اینکه قبلاً اساس مذاکرات توافق شده باشد، و تازه آنها انتظار دارند که این دعوت مستقیماً از طرف مقامات مسئول آستان قدس یا وزارت دربار [به] عمل آید. بنابراین استدعای بنده از حضور جناب عالی این است که اگر بنده را قابل انجام خدمتی تشخیص می‌فرمایند مقرر فرمایند با دستگاهی طرف مکاتبه قرار گیرم که بتوانم وظیفه خود را دانسته و بدون فوت وقت اقدام لازم به عمل آورم. در خاتمه از محبت و توجه مخصوص شخص جناب عالی و جناب آقای خوانساری صمیمانه عرض تشکر دارم.

با تقدیم احترامات

ارادتمند حسن قریشی

[۴۱۲ و ۴۱۱-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲۰]

دربار شاهنشاهی

تلگرام از ژنو

جناب آقای امیر اسدالله علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی

به عرض می‌رساند که پرونده آقای دولو به کلی خاتمه یافت و امروز بایگانی گردید. راجع به آقای قریشی نیز موضوع دیگر به محکمه ارجاع نمی‌شود و قرار است خود دادستان او رابه پرداخت جریمه نقدی محکوم نماید. در مذاکره هستیم تا اعلامیه مربوط نیز صادر گردد. با عرض احترام

خوانساری

۵۱/۸/۲۶

[۴۰۷-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲۱]

دربار شاهنشاهی

تلگرام به فرانسه

آقای متر نیکوله

دوست بسیار عزیزم

دو تلکس از شما دریافت داشتم. بسیار صمیمانه سپاسگزارم و به ترتیب جواب می‌دهم:

۱. در مورد آمدن من به ژنو چند روز به تأخیر افتاد؛ علت آن هم کارهای بسیار زیادی است که در اینجا دارم ولی امیدوارم تا یک هفته دیگر بتوانم به ژنو بیایم و شما و سایر دوستان بسیار عزیزم را ملاقات کنم.

۲. خواهشمندم صمیمانه‌ترین احترامات و تشکرات مرا به اطلاع دادستان کل ژنو آقای Jean Eger برسانید. من، همان‌طور که قبلاً نوشتم، بعد از خاتمه این کاری که واقعاً بسیار کسل‌کننده برای همه بود منتظر هستم از آقای دادستان کل و سایر دوستان در ایران پذیرایی کنم. به هر حال، من همیشه بدون کوچکترین تردید به درستی قضاوت و شجاعت دستگاه دادگستری سوئیس اعتقاد و ایمان داشته‌ام و دارم.

۳. اگر به زودی ژنو آمدم با کمال اشتیاق آقای دادستان کل را ملاقات خواهم کرد.
با گرمترین احساسات دوستانه
معاون وزارت دربار شاهنشاهی در امور داخلی
امیرمتقی

۱۳۵۱/۸/۲۹

[۴۰۲-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲۲]

دربار شاهنشاهی

تلگرام از ژنو

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی
به استحضار مبارک می‌رسانم: هم‌اکنون اطلاع رسید که دادستان، آقای قریشی را به پرداخت سی هزار فرانک جریمه محکوم نموده است. قرار است فردا آقای قریشی با نظر دادستان موافقت نماید و سی هزار فرانک را بپردازد. با این ترتیب پرونده مختومه تلقی و دو میلیون وجه‌الضمان آقای قریشی هم آزاد می‌گردد. با عرض احترام،

خوانساری

۱۳۵۱/۹/۶

[۳۹۸-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲۳]

دربار شاهنشاهی

آقای متر نیکله

دوست بسیار عزیزم

۱. دو تلکس از شما دریافت کردم؛ یکی متن اعلامیه و دومی خبر درج اعلامیه در رادیو و جراید بود. قبل از هر چیز باز هم بسیار صمیمانه از آقای دادستان کل از، آقای قاضی (WEBER) و همه دوستان دیگر که در جریان این کار با بی‌نظری و عدل و داد تصمیم گرفته‌اند سپاسگزارم. البته همیشه گفته‌ام من به قضاوت بسیار صحیح و عادلانه سوئیس اعتقاد دارم.

۲. حالا می‌توانم از جناب عالی خواهش کنم که عطف به تلگرافات قبلی که کردم و

جناب آقای هم وزیر مسترد دربار شاهنشاهی

محترماً "باستحضار عالی عرض است که در اجرای اوامری که در مورد گرفتاری غیرمنتظره
معاظمتی که ضرورت داشت اقدام لازم بعمل آمد و بند و نهد ردفاع از خود و روشن نمودن حقایق
تا جایی که لطمه بهیچ آنک در دستن وارد نشود اقدام کردیم و توصیه های که فرموده بودید
بوجه بند و اطلاق شد کاملاً "بهمان ترتیب عمل گردید که جمعاً "باستحضار عالی رسانده شده است
و باز هم این رویه ادامه خواهد داشت و همزمانی که صادر فرمائید و همزمانی که لازم باشد روی
اینان و نظامی که به نظریات غیرخواهانه جنابعالی در عمل خواهیم کرد "بسیار مختصر
و خوشحالیم که مورد نهایت و لطف جنابعالی قرار گرفتیم و استظهار به نهایت همیشه شما که
ثابت فرمودید نسبت به اراد تندانتسا بنابر چه سفید بتوانیم خدمت گذار شد بقرماشم
روی این اتفاقا به جنابعالی تا حال در مورد پیش آمد تا صف آور هیچ اقدام دیگری جز آنچه
بعرض جنابعالی رسانده شد انجام ندادیم و تمام سعی بند و در حفظ حیثیت دستن بود که
التمه بمرضتان رسیده علاوه بر آن همانطور که عرض کردیم هیچوقت توقع نداشته و نخواهیم
داشت و اگر خدمت ارجاع بشود آنچه ما در راه نشان دادیم خدمت بیشتر خواهد بود
اما آنچه به اوراستان قدس در عرض این مدت در تماس دائم با مشاهد بودیم و آنچه
خواستند عمل کردیم و اینک قصد شکایت ندارم فقط برای استحضار خاطر عالی عرض جمعی است
که آنچه بند و مفهم قدرت تصمیمتان کم است و دائم در حال تردید هستند و تا حال
در مورد کارخانه نساجی که باید با چکشازگی معامله شود توفیق حاصل نشده و هر روز نظایس
در مورد قیمت و سایر شرایط عنوان میشود که با صل معامله نخواهند این معامله در مجموع
شرایط ازی و طرف باید مورد مطالعه و مذاکره حضور قرار گیرد و من توانم بن در نظر گرفتن
شرایط ازی بر موسسات قیمت گرفت و بقیه کرد مثلا "چک ها قبول کرد که سی در رسید
موصول با بابت اصل قیمت کارخانه همصال صادر بناید و حتی در مذاکرات شفاهی اظهار
کردند که خارج از قرارداد هم مذاکره آری مافه بر این صادر خواهند کرد و اینکه بجا ی کارخانه
با قساق ۱۰ ساله با بهره و در رسید بگردد و همچنین سایر شرایط که قابل این است که مورد
(ع ۱) - ۱۷۱ - ۳ - ۶ - ۱۷۱ - ۱۷۱

فهم کو ۵/۱۷/۱۷۱

مورد دفتر دربار شاهنشاهی
شماره ۶۵۷۶
تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۲۳

توجه فرمائید پس از اینکه با استان در کلیات مذاکره شد در یکی همچوچه در مورد جزئیات و
تنظیم پیش نویس قرارداد جوابی از استان قدس نرسیده و پیش ازین ما است که مرتب بهام
جدد مدد که نمایندگان چک هایه تهران بیایند بدین اینکه باز مذاکرات قبلا "شخص شده باشد
و صدیق جفری بنده که برای بند و که سابقه تجارتم در اروپا روشن است شایسته نیست که برای
مطلب نامعلوم یک عدد از چک ها را روانه تهران کنم بدین اینکه قبلا "سازس مذاکرات توافق
شده باشد و تازه آنها انتظار دارند که این دعوت مستطیبا "ظرف مقامات مسئول استفسار
قدس و وزارت در بار عمل آید
بنام این استند می بند و از حضور جنابعالی این است که اگر بند و را قابل انجام بدست
تشخیص جفری بنده قرار فرمائید با دستگاری طرف مکاتبه قرار گیرم که بتواضع وظیفه خود را دانسته
بود و بن وقت اقدام لازم بعمل آورم "در رخا نهم از سمت و توجه مخصوص شخص جنابعالی
و جناب آقای خوانساری صفا نهم عرض تشکر دارم

با تقدیم احترامات
اراد تند حسین قزقچی

۱۷۱ - ۳ - ۵ - ۱۷۱ - ۱۷۱

[Handwritten signature]

آقایان را برای بازدید از ایران دعوت کردم جواب قبول دعوت مرا اطلاع فرمایند که دستور بدهم فوراً بلیط هواپیما نماینده هواپیمای ملی ایران در اختیار جناب عالی بگذارد که از طرف من با احترامات زیاد در اختیار آقایان بگذارید. البته بازدید را همان تاریخی که در تلگراف قبلی ذکر کردم در نظر خواهم گرفت زیرا فصل مناسب همان وقت است.

۳. البته من امیدوارم قبلاً همه این دوستان را در ژنو ملاقات کنم.

۴. خواهش می‌کنم تمام جرایدی که اعلامیه را منتشر کرده‌اند از هر جریده دو نسخه برای من به وسیله آقای نصرتیان رئیس هواپیمای ملی ایران در ژنو هرچه زودتر ارسال فرمایید.

با گرمترین و بهترین احساسات دوستانه،

امیر متقی

۱۳۵۱/۹/۲۲

[۳۸۳-۵-۲-۱۷۱-الف]

[۲۴]

گارد شاهنشاهی

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی
مرقومه تلگرافی عزّ و وصول داده با جناب آقای خوانساری مذاکره می‌کنم فوراً به تهران حرکت کنند زیرا آقای نیکله و آقای پونسه روز شنبه شب وارد تهران خواهند شد. راجع به روزنام لوموند از آقای بوشهری سؤال کنید ولی به هر حال طبق آخرین خبر واصله اگر همان طور که قبلاً پیش‌بینی کرده بودم لوموند را تعقیب کنیم روزنامه‌های دیگر با لوموند همدردی خواهند کرد، فی‌المثل مطالبی که روزنامه کان ران شنه نوشته موضوع تازه‌ای است که به ما حمله کرده‌اند. فردا نزدیک ظهر تلفنی مطالبی حضورتان عرض خواهم کرد.

امیر متقی

۵۱/۱/۳

[۳۱۴-۴-۲-۱۷۱-الف]



کارشاهنشاهی

حاج آقا میرزا محمد تقی آقا میرزا محمد تقی

برقوه گدائی بمز و صلوات دارد و بجا بدین خوب در فدا کردیم فردا تیران حرکت کنند زیرا که
نصفه دوازده روز شنبه و یک دلا تداخ متوال است که راجع به روزنامه در روزهای
دو تیر شوال کنند و در حال طبع آفرین خبر دادند در هر نظر در تبه شیرینی که بجا
در روزهای تقی که روزنامه آری بر مصلحت در در خوانند که فی الحقیقه مطالبی در روزنامه
(کان ران ششم) نوشته مرصع تازه است در ۲۲ عدد که اندر فردا نیز در مده تفسیر مطالبی

۴۱۴ - ۴ - ۳ - ۱۷۱ - (الف)

حضرت آقا میرزا محمد تقی

ویرتقی

۵۱۱۱۳

دربار شاهنشاهی

دوست عزیز

موضوع تغییر وضع مطبوعات، من به تهران پیشنهاد کرده بودم که اشخاص ذیل برای تهیه گزارش به تهران بیایند:

۱. ژاکسکو فیر نماینده تلویزیون رومان

۲. مادام پیرت بلان نماینده تریبون د لوزان

ایشان مادام پیرت بلان هستند و نه بلانک و آقای کلودمگر از ژورنال دژنو.

عصر روز پنجشنبه ضیافتی برای چند روزنامه‌نگار خواهم داد با توجه به ذخیره جالب خاویار که دارد. نتیجه این ملاقاتها را به جنابعالی اطلاع خواهم داد. از پرواز مستقیم ایران ایر [ایران ایر] فردا سه‌شنبه استفاده خواهم کرد تا پیک رابه جنابعالی برسانم.

با تقدیم احترامات دوستانه

نیکله

[در حاشیه:]

سرور من

روزنامه تریبون دژنو که مصاحبه امیرهوشنگ دولو با مخبر قضایی این روزنامه در تهران را منتشر کرده امشب می‌رسد؛ فردا تقدیم می‌کنم. به این صورت از چهارشنبه گذشته در روزنامه‌های لاسویس، [و] تریبون دژنو هر روز مقالاتی مؤثر طبق برنامه تنظیمی نیکله داشته‌ایم و از روز دوشنبه باز تا آخر هفته آینده به ترتیب صحیحی این برنامه ادامه خواهد داشت. در مورد نمایندگانی که در این تلگراف نیکله خواسته به تهران بیایند آیا اجازه می‌فرمایند که به نیکله خبر بدهم که ترتیب آمدن این دسته را هم بدهند زیرا باید قبل از تشریف‌فرمایی ذات مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به ژنو افکار عمومی را کاملاً به نفع خودمان تغییر بدهیم.

با تقدیم احترام

۵۱/۱/۲۶

[۱۴۰-۲-۵-۱۷۱-الف]

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیرمتقی

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

دوست عزیزم

مسائلی که من میل دارم فردا راه‌حلی برای آنها پیدا شود:

۱. دعوت‌هایی که توسط سفارتخانه‌ها برای مطبوعات سوئیس و فرانسوی فرستاده شده

است:

من از آنها خبری ندارم و بی‌اندازه باعث تأسف است زیرا آنها روزنامه‌نویسهایی هستند که من می‌شناسم و دوستان من آقای ساین و برشه با آنها تماس گرفته‌اند. فرانسویها بلیط خود را دریافت نکرده‌اند و من از تریبون دوژنو بی‌خبر هستم؛ این مطلب من را نگران کرده است.

۲. روزنامه‌نگارانی که خواستار مسافرت به ایران هستند:

من توسط دوستان خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانم به فرستادن روزنامه‌نویسانی که نسبت به ایران علاقه دارند یا علاقه پیدا خواهند کرد ادامه دهم، بخصوص در کشورهای شمال اروپا که در آنجا دوستان بانفوذی دارم. بدیهی است که البته سرعت کار فرق خواهد کرد و باید منتظر موقعیتهای دیگر بود.

۳. ایسی‌پاری

آقای حیوانی شیوتو آماده است که با یک عکاس حرکت کند تا با والاحضرت اشرف مصاحبه نماید. شرطی که من گذاشته‌ام این است که والاحضرت موافقت خود را با مقاله اعلام کنند، در غیر این صورت آن مقاله نباید منتشر شود.

۴. لا سوئیس

وکلائی والاحضرت اشرف مسائل را از نقطه‌نظر دادرسی مورد استدلال قرار می‌دهند نه از نظر سیاست و منافع آهستگی و صبر مدبرانه آنها قطعاً آرامش‌دهنده است، ولی امکان نیل به هدف را سلب می‌کند و از بین می‌برد. توافق و آشتی می‌بایست ۳۱ ماه مه انجام شود ولی برای مدت هشت روز به تعویق افتاده است یعنی در تاریخ هفتم ژوئن، و تکذیبیه لا سوئیس پس از آن تاریخ منتشر خواهد شد. نتیجه آنکه روزنامه

لوموند پس از دیدار شاهنشاه تکذیبیه را می‌تواند چاپ کند و محاکمه نیز پس از این دیدار خاتمه خواهد یافت. نتیجه آنکه طی دیدار شاهنشاه روزنامه لوموند جنبه منفی خواهد داشت. دو ماه است که من سعی می‌کنم این مشکل را حل کنم؛ واقعاً وقتی از قدرت من خارج است دیگر کاری نمی‌توانم بکنم.

به امید دیدار فردا. در حال حاضر رؤیای استراحت و تعطیلات را می‌بینم، زیرا با این مشغله زیاد نمی‌توانم به کار خود ادامه دهم.

با تقدیم عالیترین احترامات دوستانه

ریموند نیکوله

[۳۸۵ و ۳۸۴-۴-۲-۱۷۱-الف]

[۲۷]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیر متقی

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

دوست عزیز

برای بعضی از روزنامه‌های فرانسوی یا سوئیسی ناگزیر هستیم دعوتنامه‌ای از جانب یک مقام رسمی بفرستیم، لذا باید راه‌حلی پیدا شود.

برای کلیه روزنامه‌نگارانی که دوست من هستند مسئله و مشکلی نیست. در حال حاضر مشکل می‌توان از روزنامه‌هایی که به شرط دعوت رسمی سفر به ایران را قبول کرده‌اند صرف‌نظر کرد زیرا آنها دشمن ما خواهند شد.

چطور باید این مسئله را که در واقع مسئله‌ای هم نیست حل کرد، زیرا به هر حال روزنامه‌نگارانی که مورد استقبال قرار خواهند گرفت به آنها اطلاعات داده خواهد شد و پذیرایی خواهند گردید و بدیهی است که فقط دولت قادر به انجام این امور است. جناب آقای خوانساری رونوشت تلکسهایم را دریافت می‌کنند. باید که به ترتیب پیش رفت، اقدامات خودم بلیطهای هواپیما را دریافت دارم، البته با تاریخ حرکت که در آنها قید خواهد شد.

مسئله استقبال در تهران بی‌اندازه حائز اهمیت است. روزنامه‌نگاران مهمی را من به تهران می‌فرستم؛ نباید هنگام ورود آنها یا هنگام اقامتشان غفلت شود. ضروری است که هر روزنامه‌نگار و یا هر گروه از آنها یک نفر مهماندار ایرانی ذیصلاحیت که زبان آنها را بدانند داشته باشند. البته نگرانی من را خواهید عفو فرمود. لیکن همین روزنامه‌نگاران که

به تهران می‌آیند هنگام سفر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اکثرشان در ژنو خواهند بود و کاملاً ضروری و لازم است که از جهت انعکاس و انتشار نطق اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در محافل بین‌المللی همه این روزنامه‌نویسها راضی و خوشحال از تهران مراجعت کنند.

با تقدیم عالیترین احترامات دوستانه
ریموند نیکوله

[۵۰۰-۴-۲-۱۷۱-الف]

[۲۸]

دربار شاهنشاهی

جناب آقای امیرمتمی معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی

۱. نیکوله اطلاع داد که می‌خواهد روز جمعه به بلژیک برود؛ البته برای بلیط و کار توقف ایشان اقدام گردید.

۲. نیکوله به پاریس نرفته و خبر هم نداده بود و نماینده هواپیمای ملی ایران هم در این دو روز مرتباً منتظر ایشان بوده است. وی اظهار داشت چون غفلتاً صرف‌نظر کرده بدین لحاظ اطلاع نداده است.

۳. تلکس نیکوله را در مورد روزنامه‌نگاران ملاحظه فرموده‌اند.

در مورد اینکه از جراید رسماً دعوت به عمل آید به نظر اینجانب این کار در چنین موقعی شاید به مصلحت نباشد. چون همه می‌دانند که این دعوت در این موقع صرفاً برای تشریف‌فرمایی ذات شاهانه می‌باشد، در صورتی که اگر به طور خصوصی اقدام گردد شاید نتیجه بهتری عاید نماید. در هر حال موکول به نظریه و تصمیمی است که اتخاذ می‌گردد.

۴. یک پاکت برای جناب عالی به وسیله هواپیمای ملی ایران فرستادم که فردا صبح به جناب عالی تقدیم نماید.

خوانساری

۵۱/۳/۲

[۵۰۲-۴-۲-۱۷۱-الف]

دربار شاهنشاهی

برای توجه آقای امیرمتمی

معاون محترم وزارت دربار شاهنشاهی - تهران

دوست عزیز

تلکس ۲۷ ص جناب عالی را دریافت داشتم و از مفاد آن مطلع شدم. بازگشت از پاریس:

۱. رادیو تلویزیون

مسئله رادیو تلویزیونها یک مسئله خاصی است. با کمال احترام، فکر می‌کنم که مصاحبه‌های اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر قبل از تشریف‌فرمایی به ژنو واقعاً لازم است. این امر باعث خواهد شد که جریان سوئی که چندین ماه در مطبوعات وجود داشته خنثی کند و حضور ایشان در امواج و ایستگاههای تلویزیون تنها می‌تواند این اثر را داشته باشد. نماینده رادیو سویس، رومانند به اتفاق خانم فرانسوا آشیل روش خواهد آمد.

از اقامت خود در پاریس استفاده کردم تا تماسهایی با:

فرانس ایتر

سود رادیو

رادیو مونت کارلو

رادیو لوکزامبورگ [بگیرم].

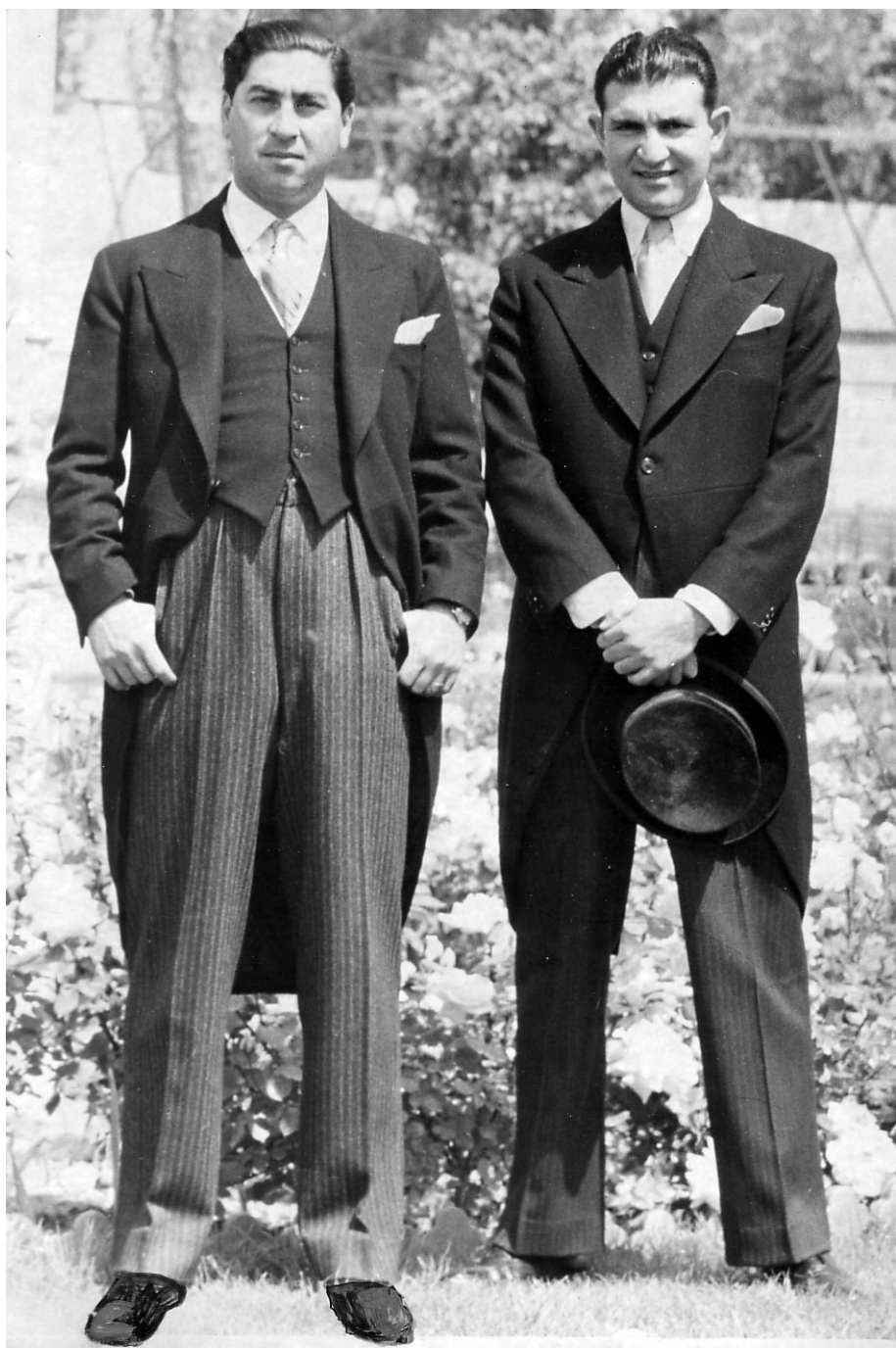
امروز بعد از ظهر تلویزیون سویس را خواهم دید. یک مخبر از طرف والاحضرت پرنس ویکتور امانوئل و دیگری از طرف فرانسوا آشیل روش نزد من فرستاده شدند. لازم خواهد بود که من از امکانات دقیقاً مطلع شوم زیرا باید قاطع باشم.

۲. مطبوعات فرانسه

به نظر می‌رسد که فرانسوافیگارو وپاری [ماچ] ممکن است علاقه‌مند به مسافرت به تهران باشند. فردا در این باره بیشتر مطلع خواهم شد.

۳. مطبوعات بلژیک

هشت روزنامه بلژیکی که نمایندگی کلیه افکار بلژیک را دارند در ملاقات جمعه



اردشیر زاهدی و خسرو قشقایی [۳۲۳۰-۱-پ]

شرکت داشتند. همه می‌خواهند یک مطالعه عمیقی دربارهٔ ایران به عمل آورند و [امسال پاییز] بیایند.

آنها عبارت هستند از:

له سوار بروکسل

د استاندارد بروکسل

له پوپل بروکسل

له درنیر اور

فولکس کازت آموز

لیبر بلژیک بروکسل

گازت فان آنت ورپن

من فکر می‌کنم روزنامه‌نگارانی که می‌خواهند بعد از تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به ایران بیایند باید آنها هم دعوت شوند. بد نخواهد شد که این موج سمپاتی را که می‌خواهیم به وجود بیاوریم ادامه پیدا کند.

۴. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

از یک دوستی که به مطبوعات وابستگی دارد خواهش کردم که یک سلسله مقالات و [رپرتاژهایی] دربارهٔ والاحضرت پیش‌بینی کند. مهم این است که خساراتی که به ایشان وارد شده تا آنجا که ممکن است قبل از تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و بعد از آن نیز جبران شود. به طور ساده باید از فشار مقالات زیاد در یک روزنامه واحد خودداری کرد.

۵. مسائل مالی

خیلی مناسب خواهد بود که بتوانیم به طور محرمانه به عده‌ای از اشخاص که به من کمک کردند پولی بپردازم تا فردا یا پس فردا. با تقدیم احترامات دوستانه،

ریموند نیکله

[۱۳۵۱/۳/۹]

[۳۸۲ تا ۳۸۰-۴-۲-۱۷۱-الف]

دربار شاهنشاهی

ادارهٔ رمز و محرمانه

کشف تلگرام رمز جناب آقای امیرمتقی از پاریس

خیلی خیلی فوری است

از نظر جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی بگذرد

مرقومه تلگرافی شماره ۶۴۶ عز وصول داد. راجع به محاکمه لوموند از جزئیات آن ۸ مطلع هستم. باید بگویم بعد از یک دوره طولانی سرد که در کلیه مطبوعات فرانسه داشتیم مجدداً وضع مارو به گرمی [می‌رود] و به نفع ما در جریان است. نوشته روزنامهٔ CANARD ENCHAINE اگر هم با لوموند ارتباط داشته باشد زیاد مهم نیست؛ در مقابل، ملاقات دیگری در هفته جاری و آینده در جراید فرانسه خواهیم داشت که بسیار مؤثر خواهد بود. من با تلفن به جناب آقای بوشهری چند روز پیش گفتم که راجع به مصاحبه مطبوعاتی چطور عمل خواهند کرد؛ مرا در جریان بگذارند. ایشان هنوز جواب نداده‌اند. به هر صورت، مجدداً با ایشان مذاکره خواهیم کرد. چون در روز مصاحبه بعد از خاتمهٔ کار لوموند والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی اراده فرمودند که مصاحبه فرمایند باید یا به صورت بسیار وسیع حداقل در چند جریده صبح و عصر فرانسه، اگر به صورت خلاصه هم شده، منتشر شود. به همین جهت است که می‌خواهم بدانم جناب آقای بوشهری [به] چه ترتیب عمل خواهند کرد.

در ضمن به استحضار خاصر عالی می‌رسانم که بعد از روز ۱۸ که در سفارت دیپلماتیک نشانه‌های جشن شاهنشاهی را جناب آقای پاکروان سفیر شاهنشاه آریامهر به مدیران جزائو و صاحبان مؤسسات فرانسوی در ضمن یک کوکتل لطف خواهند فرمود؛ باز یک رخنه مطبوعاتی به صورت باز کردن جای خودمان در جراید پیدا خواهد شد. مذاکرات با جناب آقای بوشهری را متعاقباً به عرض مبارک می‌رسانم.

با تقدیم عالیترین احترامات،

[در حاشیه]

امیرمتقی

به شرف عرض مبارک رسید.

۱۳۵۱/۴/۱۵

[اسدالله علم]

[۵۳۱ و ۵۳۰-۴-۲-۱۷۱-الف]

۵۱/۴/۲۱

دربار شاهنشاهی

دوست عزیز

فوق‌العاده تحت‌تأثیر آخرین تلکس شما قرار گرفته، باید بگویم که من هم خیلی خسته هستم. هدف ما دنبال کردن و به دست آوردن ماکسیموم اخبار خوب راجع به ایران است که باید قبل از تشریف‌فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به ژنو پخش شود. امکان اینکه تظاهرات باشد وجود دارد؛ مطلب اساسی این است که از طرف اکثریت مردم مورد تأیید نباشد.

دوباره برمی‌گردم به تلکس ۳ ژوئن؛ بیشتر از آن نمی‌توانم توضیح بدهم چون از تلکس هتل بود.

۱. رادیو فرانسه و اطراف

آقای هانری مارک، پل ناهون و کریستیان گلاند امشب به تهران می‌آیند برای یک مصاحبه با اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و این مصاحبه را ضبط می‌کند و می‌تواند برگردند برای پخش آن چون هنوز پخش مطالب این هفته ادامه دارد. ایشان نماینده یک فرستنده رادیوی خیلی مهم است که در سویس زیاد به آن گوش می‌دهند.

۲. فرانس انتر

ژان ماری کاوادا قبلاً افتخار شرفیابی و مصاحبه با اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را داشته است. این برنامه مخصوص انتر در ساعت ۱۹.۱۵ دقیقه با شنوندگان زیادی مدت ۴۵ دقیقه فقط درباره ایران و شاهنشاه آریامهر خواهد بود. من امیدوارم که پخش این برنامه روز دوشنبه ۱۲ ژوئن باشد که بتوانیم ضبط کنیم، بین تهران و پاریس، روز قبل از پخش و یا دو روز قبل از آن.

مصاحبه بین تهران و پاریس انجام خواهد شد. آقای کاوادا سؤالها را از پاریس می‌پرسند. سؤالها را قبلاً به سفارت در پاریس خواهند داد که به تهران تکلس بفرستند. اگر این باعث گرفتاری زیاد می‌شود. فرانس انتر می‌تواند مصاحبه با اعلیحضرت همایونی را در هنگام ورود به سنت موریتز [موریتس] انجام دهد.

از شما خیلی ممنون خواهم شد اگر این مسائل را با خانم سیسیل گوتیل که امشب به تهران می‌آید، و خانم فوق‌العاده دقیقی است مطرح فرمایند که من از ایشان خواهش کردم با آقای ژان ماری کاوادا تماس بگیرد.

الف - دو برنامه «امروز، خانم»

این برنامه فقط برای علیاحضرت شهبانو و خاندان ایشان و زندگی زن در ایران گذاشته شده. باید پافشاری کرد که این برنامه قبل از تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر پخش شود.

در این برنامه خانم کولت بلوندل شرکت خواهند داشت که یک تماشاچی فرانسوی هستند که با علیاحضرت شهبانو مکاتبه داشته است و از طرف ایشان کادو هم گرفته است. پخش این برنامه که به وسیله مطبوعات فرانسه مجدداً انتشار خواهد یافت به لحاظ عاطفی اهمیت بسزایی دارد.

ب - برنامه مخصوص برای والاحضرت اشرف

برای این برنامه شما می‌توانید با خانم سیسیل گوتیل صحبت بفرمایید مهمترین خبر آن است که اکیپ تلویزیون فرانسه هرچه زودتر برگردد با خاطره‌ای خوش. به این ترتیب بین تلویزیون سوئیس و تلویزیون فرانسه و رادیوهای سوئیس و فرانسه ما کاملاً برای تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر آمادگی داریم.

۴. خانم سیسیل گوتیل، وابسته مطبوعاتی

ایشان را من به خصوص به خاطر والاحضرت اشرف فرستادم که به سبب وی می‌توانند متوجه شوند که تبلیغات مطبوعات نه تنها کاسته شده است بلکه به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییرشکل یافته است. باید توجه داشت که خانم سیسیل گوتیل ایران را نمی‌شناسند و نمی‌تواند خیلی از مسائل را تصور کند. ایشان دوست یکی از وکلای فرانسوی من هستند و به مدد این وکیل می‌تواند کمکهای زیاد و همچنین می‌تواند روزنامه‌های فرانس سوار و اورور و فیگارو و غیره را به ژنو بیاورد.

۵. ایسی پاری

من آقای جوانی سیوتو را یکشنبه در پاریس دیدم. ایشان با عکاس فقط برای والاحضرت اشرف به تهران می‌آیند - که والاحضرت باید اجازه بفرمایند که مقاله نوشته بشود به همان ترتیب که جناب آقای دکتر بوشهری فرمودند. جلوی نادانی مجله ایسی پاری را نمی‌شود گرفت. فقط دیگر نباید بدجنسی بکند. باید مدت اقامت آقای سیوتو در تهران خیلی خوش باشد ولی اقامت طولانی نباشد. فکر می‌کنم بهتر باشد اگر در یک هتل خوب دیگر غیر از هیلتون اقامت کند. بهتر است که با روزنامه‌نگاران دیگر تماس نداشته باشد. از طرف دیگر، همه جا را ببیند و کمترین تماس را با اشخاص داشته باشد. آقای سیوتو از این گذشته خیلی آقای فوق‌العاده‌ای است.

آقای برشه قرار بود با من امروز صبح تماس بگیرند ولی هنوز از ایشان خبری ندارم. فکر می‌کنم آمدن یک روزنامه‌نگار از طرف تریبون دو ژنو مشکل [مشکل] باشد. ما حتماً احتیاج به یک مقاله مفصل در این روزنامه داریم، یا در هنگام تشریف‌فرمایی اعلیحضرت همایونی و یا قبل از آن موعد، به خصوص که مجله لاسویس منتظر یک تجدیدنظر و تصحیح است که تا به حال نشده و تا بعد از مسافرت شاهنشاه آریامهر به سویس انجام نخواهد شد. من پیشنهاداتم را به محض اینکه اطلاع پیدا کردم به عرضتان می‌رسانم.

از اینکه تلکس دیر شد عذر می‌خواهم، ولی من فوق‌العاده گرفتارم و خواب تعطیلات را می‌بینم. من به تهران خواهم آمد برای اینکه بقیه کارهای معوقه را انجام دهم، ولی من خیلی خسته هستم؛ امیدوارم مرا ببخشید.

صمیمانه‌ترین احترامات و دوستی مرا بپذیرید

[ریموند نیکله]

[۵۱۲ تا ۵۰۹-۴-۲-۱۷۱-الف]

[۳۲]

دربار شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای امیرمتقی

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

دوست عزیز

مربوط به هدایا

مجسمه‌های بسیار عالی از جانب شما به دوستان داده شد و کارت ویزیت شما نیز همراه با مجسمه برای گیرنده فرستاده شد. موضوع این است که آقای پرفسور دو شوسال در نامه خود اشتباه کرده است؛ من اقدام لازم را انجام دادم.

در بروکسل برای جمع کردن روزنامه‌نویسها آقای لئون لئونارد از روزنامه لو سوار به من کمک کرد. آدرس خصوصی او شماره ۲۴، خیابان ژان، ۱۰۵۰، بروکسل است.

آیا می‌توانید از جانب خودتان هدیه به صورت کتاب و خاویار برای او بفرستید؟ با تقدیم عالیترین احترامات دوستانه

ریموند نیکوله

[۶۳۶-۴-۲-۱۷۱-الف]